

Analytical study of the most important factors in the victory of the Sacred Defense in comparison with the Second Iran-Russia War

Mehdi Ramezani¹, Mohammad Hafazisefat²

Abstract

The land of the Islamic Republic of Iran has always been coveted by powerful countries due to its strategic location which has happened in different ways throughout history. Unfortunately, each of this has been associated with the disintegration of a part of Iran and has put shame on the forehead of this nation's history. Although in most of the past wars, the people defended the country wholeheartedly by accompanying of the Ulema (the clergy group) and the issuance of the ruling of jihad, but in the end, a part of the homeland fell into the hands of foreigners. In the latest one to separate Khuzestan province from Islamic Iran, the unique defense of the people of Islamic Iran under the command of Imam Khomeini (as), during the eight years of the imposed war, despite all the problems and hardships, it insured the new-born Islamic Revolution and secured many of Iran's indisputable rights. Also, this resistance, while guaranteeing the independence and territorial integrity of the country, taught the oppressed and oppressed people of the world the lesson of resistance against global arrogance.

This study examines the most important factors in the victory of the Sacred Defense in comparison with the Second Iran-Russia War, and seeks to answer the question: What are the most important factors in the victory of the Sacred Defense in comparison with the Second Iran-Russia War? For this purpose, the present study has been done in a scientific way by using the view point of experts in this field and analyzing the collected resources.

To answer the research question, first the second Iran-Russia war and the sacred defense were examined, then the most important factors of defeat in the Iran-Russia war and victory in the sacred defense were evaluated. In the end, all the factors of victory in the sacred defense were analyzed by Delphi method. Findings show that trust in God instead of relying on superpowers, leadership and command of Imam Khomeini (as) and self-confidence of the Iranian people are the most important factors for victory in the sacred defense. The findings also show that the global arrogance at the present time is terrified to attack against Islamic Republic of Iran because of trusting God, the leadership and command of Imam Khomeini and the self-confidence of Iranian people.

Keywords: Victory, Sacred Defense, Second Iran-Russia War.

1- Faculty Member and Researcher at the Imam Hussein (a.s.) University for Training Military Officers and Guards

2- Teacher and Lecturer of Imam Hussein (as) University for Training Military Officers and Guards

بررسی تحلیلی مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با

جنگ دوم ایران و روسیه

مهدی رضانی^۱، محمد حافظی صفت^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۷/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۹/۱۸

چکیده

سرزمین جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت استراتژیکی خود همیشه مورد طمع کشورهای قدرتمند قرار گرفته است. این امر در طول تاریخ به شکل‌های مختلف صورت پذیرفته است. متأسفانه هر کدام از آن‌ها با تجزیه قسمتی از خاک ایران همراه بوده و ننگی را بر پیشانی تاریخ این ملت نشانده است. اگرچه در اکثر جنگ‌های گذشته، مردم با همراهی علما و صدور حکم جهاد با جان و دل از کشور دفاع کردند؛ اما در نهایت قسمتی از خاک وطن به دست بیگانه افتاد. در آخرین طمع کاری به خاک ایران اسلامی برای جدا کردن خوزستان، دفاع بی نظیر مردم به فرماندهی حضرت امام (ره) در طول هشت سال جنگ تحمیلی، به‌رغم همه مشکلات و ناملازمات، انقلاب نوپای اسلامی را بیمه و بسیاری از حقوق مسلم ایران را تأمین نمود. هم‌چنین این مقاومت، ضمن تضمین استقلال و تمامیت ارضی کشور به مظلومان و مستضعفان جهان، درس مقاومت در مقابل استکبار جهانی را داد.

این پژوهش با بررسی مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه، در پی یافتن پاسخ به این سؤال است که مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه کدام‌اند؟ برای این منظور پژوهش حاضر به شیوه‌ای علمی و با بهره‌گیری از نقطه‌نظر کارشناسان و خبرگان این حوزه و با تحلیل منابع گردآوری‌شده صورت گرفته است.

برای پاسخ به سؤال تحقیق، ابتدا جنگ دوم ایران و روسیه و دفاع مقدس مورد بررسی قرار گرفت، سپس مهم‌ترین عوامل شکست در جنگ ایران و روسیه و پیروزی در دفاع مقدس ارزیابی شد. در پایان کلیه عوامل پیروزی در دفاع مقدس به روش دلفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توکل به خدا به‌جای اتکا به ابرقدرت‌ها، رهبری و فرماندهی حضرت امام (ره)، خودباوری مردم ایران به‌عنوان مهم‌ترین عوامل پیروزی در دفاع مقدس به شمار می‌آیند. هم‌چنین یافته‌ها نشان می‌دهد که استکبار جهانی در مقطع کنونی برای عدم تهاجم، سخت از توکل به خدا، رهبری و فرماندهی امام خامنه‌ای و خودباوری مردم به‌شدت وحشت و هراس دارد.

کلید واژه‌ها: پیروزی، دفاع مقدس، جنگ دوم ایران و روسیه.

۱- عضو هیات علمی و پژوهشگر دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

۲- مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)

مقدمه

جنگ‌های ایران و روسیه، نامی است که به دو جنگ بزرگ بین ایران و روسیه تزاری در زمان پادشاهی فتحعلی‌شاه قاجار داده شده است. این جنگ‌ها با شکست ایران از روسیه پایان یافت و بخش‌های بزرگی از منطقه قفقاز ایران به قلمرو روسیه پیوست.

با سقوط صفویان و روی کار آمدن افشاریان و زندیان، از تسلط حکومت مرکزی بر منطقه قفقاز کاسته شد و حکمرانان آن منطقه، با مشاهده ضعف حکومت ایران و به دلیل حفظ منافع خود به سمت قدرت نوظهور شمالی جذب شدند. با به قدرت رسیدن قاجارها که طرح و نقشه درستی برای تعامل با خوانین این منطقه، به‌ویژه خوانین گرجستان و آن سوی ارس نداشتند؛ جنگ‌های ایران و روس با حمله روسیه به منطقه قفقاز در سال‌های ۱۸۰۳ تا ۱۸۲۸ میلادی شکل گرفته است. بر اثر این جنگ‌ها معاهده‌های ننگین گلستان در سال ۱۸۱۳ میلادی و ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ میلادی تحمیل و قفقاز به کلی از ایران جدا شد.

بعد از انعقاد معاهده ننگین گلستان، چون اختلافات مرزی بین دو کشور حل نشده بود؛ تا سال ۱۲۴۱ قمری گهگاه نیروهای روسیه مناطقی از خاک ایران را مورد تجاوز قرار می‌دادند. تا اینکه در این سال گوگچه توسط روس‌ها تصرف شد و جهت پاسخ به این عمل سران کشور تصمیم به جنگ گرفتند و بدین ترتیب جنگ‌های دوم ایران و روسیه آغاز و تا سال ۱۲۴۳ قمری به طول انجامید و در شعبان همان سال به علت شکست‌های پی‌درپی که به ایران وارد آمد، فتحعلی‌شاه بالاجبار تن به انعقاد معاهده ننگین دیگری به نام ترکمانچای داد و تسلیم شرایط ذلیلانه آن شد.

اما در هشت سال جنگ که از سوی استعمارگران به وسیله کشور عراق از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ شمسی به ایران اسلامی تحمیل شد؛ هیچ معاهده ننگینی پذیرفته نشد، تمامیت ارضی ایران اسلامی حفظ شد، انقلاب اسلامی بیمه و راه ترقی و خودکفایی هموار گشت.

اما باید برجستگی و درخشندگی دفاع مقدس را در خصوصیت ممتاز رهبری و فرماندهی فقیه عادل‌الهمچون امام (ره) و توکل و ایمان قلبی مردم به خداوند و اعتماد به نفس و خودباوری مردم دانست.

در جنگ بود که یاد گرفتیم باید روی پای خود بایستیم و حقیقتاً روی پای خود ایستادیم و

بر خدا توکل کردیم و از این رهگذر به خودباوری رسیدیم و اگر امروز می‌گوییم برای انجام هر کاری قادر و توانا هستیم و از کشورهای پیشرفته چیزی کم نداریم؛ این وضعیت به‌دست‌آمده را که نعمتی بس بزرگ است، به‌عنوان ره‌آورد دوران دفاع مقدس باید به نسل‌های بعد منتقل کرد. روایی و پایایی تحقیق حاضر ریشه در چهار محور (ارزش واقعی، کاربردی بودن، تداوم و مبتنی بر واقعیت بودن) دارد که توسط گوبا و لینکلن پیشنهاد شده است.

روش تحقیق و ابزار گردآوری اطلاعات

سؤال اصلی:

مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه، کدام است؟

ابزار گردآوری اطلاعات:

اطلاعات مورد نیاز تحقیق از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و مصاحبه با کارشناسان تأمین شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه بدون ساختار و یادداشت‌برداری استفاده شده است تا مصاحبه‌شوندگان آزادی عمل بیشتری داشته باشند و بتوانند آزادانه در اطراف موضوع صحبت کنند. این روش رایج‌ترین روش مصاحبه در تحقیقات کیفی است. نمونه‌گیری با روش مبتنی بر هدف بوده و کسانی که دارای تجربه کافی در این زمینه و نیز حاضر به شرکت داوطلبانه در تحقیق بودند به‌عنوان نمونه انتخاب شده و نمونه‌گیری تا اشباع داده‌ها ادامه پیدا کرد.

نوع تحقیق:

به دلیل اینکه نتایج حاصله مورد نیاز نسل‌های کنونی و آینده کشور است، لذا نوع تحقیق کاربردی بوده و با استفاده از اطلاعات به‌دست‌آمده از مطالعات و نظرات کارشناسان، مناسب‌ترین روش تحقیق در این تحقیق، کیفی است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها:

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش دلفی استفاده می‌شود. بعد از تجزیه و تحلیل، نتایج منطقی از مباحث در چارچوب بحث و نتیجه‌گیری به سؤال اصلی پاسخ داده می‌شود.

چارچوب نظری و ادبیات تحقیق

الف) تعاریف عملیاتی

امام (ه):

منظور حضرت امام خمینی رحمه الله علیه، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران است.

ایران:

در این تحقیق منظور از ایران، کشور ایران قبل از انقلاب اسلامی است.

ایران اسلامی:

در این تحقیق منظور از ایران اسلامی، نظام جمهوری اسلامی ایران است.

دفاع مقدس:

منظور هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی است که توسط استکبار پشتیبانی

می‌شد.

جنگ ایران و روس:

در این تحقیق منظور جنگ دوم ایران و روسیه است که منجر به معاهده ننگین ترکمانچای

شد.

ب) مبانی و مفاهیم نظری

بررسی تاریخی:

جنگ روسیه با ایران؛ برای تجزیه قفقاز از سال ۱۲۴۱ تا ۱۲۴۳ قمری بعد از معاهده ننگین گلستان، گهگاه تجاوزهایی از سوی روس‌ها به ایران صورت می‌گرفت. در همین زمان معاهده سرّی بین دولت انگلیس و دولت روس بر سر منطقه شرق به امضاء رسید که دولت روس را مختار نمود هر اقدامی می‌خواهد در ممالک شرق انجام دهد (طباطبایی، ۱۳۷۳: ۱۲۲).

در سال ۱۲۴۰ قمری (دوازده سال پس از پایان جنگ‌های دوره اول) دوباره روس‌ها تجاوزات خود را آغاز کردند و به بهانه اینکه اراضی گوگچه ایروان بر طبق قرارداد گلستان به روسیه تعلق دارد و دولت ایران هنوز نماینده‌ای برای تعیین مرزهای تالش نفرستاده، تحرکات نظامی خود را شروع نمودند و تهدید کردند که اگر ایران مناطق یادشده را به زبان خوش واگذار نکند، به ضرب شمشیر خواهند گرفت. مذاکرات به جایی نرسید و خوش‌خیالی‌های فتحعلی‌شاه و

اعتماد او به انگلستان نیز کارساز نشد (کمالی، ۱۳۸۶: ۸).

در سال ۱۲۴۱ قمری قوای روس، گوگچه را تصرف کرد. دولت ایران نسبت به این تصرف و بدرفتاری با مسلمانان آنجا شدیداً اعتراض کرد؛ اما خشونت روس‌ها در رفتار و گفتگوی خود با ایرانیان و اخبار وحشتناکی که از زجر و شکنجه اهالی مسلمان قفقاز به پایتخت می‌رسید، باعث بروز هیجان عمومی در تهران گردید. در این زمان فتحعلی شاه به‌ناچار مجلسی از رجال، اعیان، روحانیون، سرداران، سران ایلات و عشایر را تشکیل داد تا درباره صلح یا ادامه جنگ به مشورت بپردازند (سپهر، ۱۳۳۷: ۲۱۵). اکثر حضار برای دل‌خوشی شاه و بدون در نظر گرفتن شرایط نامطلوب ایران، رأی به جنگ دادند.

فرماندهی قشون ایران به عباس میرزا فرزند چهاردهم فتحعلی شاه واگذار شد. جنگ در تاریخ ۱۲۴۱ قمری با هجوم ایران به ایروان آغاز شد. سپاهیان ایران از مرزهایی که در معاهده گلستان تعیین شده بود، گذشتند و سپاهیان روس را درهم کوبیدند. هجوم سپاهیان ایران، روس‌ها را عقب راند و شکست‌های مهمی بر آن‌ها وارد کرد (اجللی، ۱۳۷۳: ۲۷).

ایرانیان بیش‌تر نواحی از دست‌رفته معاهده گلستان را پس گرفتند و روس‌ها با دادن چهار هزار کشته، ایلات شکی و شیروان را تخلیه کردند؛ شهرهای لنکران و سالیان نیز آزاد شد. به دلیل این ناکامی‌ها، امپراتور روسیه یرملوف فرمانده سپاه قفقاز را برکنار و به‌جای وی پاسکویچ را منصوب کرد (عبدالله یف، ۱۳۵۶: ۱۵۳).

با فرماندهی پاسکویچ، حملات تعرضی ارتش روسیه به قلعه‌های نظامی ایران آغاز گردید و از اواخر سال ۱۲۴۲ قمری عملیات جنگی به نفع روسیه اوج گرفت و پیشروی روس‌ها آغاز شد. نیروهای ایران در دو جبهه قراباغ و ایروان تحت فشار سخت سپاه تزاری قرار گرفته بودند. خان‌ها و حکام نواحی مذکور به‌رغم تمایلی که به ایران نشان داده بودند، خیانت ورزیدند و خود را زیر پرچم روس کشیدند (پناهی سمنانی، ۱۳۷۶: ۱۷۲). روس‌ها به تدریج بر سرزمین‌های متعلق به ایران غلبه کردند و به ترتیب شهرهای گنجه، ایروان، نخجوان و قلعه عباس‌آباد را اشغال کردند. با تسخیر ایروان، پاسکویچ لقب ایروانسکی یافت (افشار یزدی، ۱۳۵۸: ۱۶۴).

پیشروی قوای نظامی روس در مرحله دوم جنگ‌ها به حدی بود که متجاوزان ضمن عبور از شهرهای قفقاز و رودخانه ارس، شهرهای مهم سر راه، چون خوی و دهخوارقان و به تبع آن، مرند

و قراچه داغ و مشکین شهر و سراب و گرمرود را هم به تصرف در آوردند (وثوق، ۱۳۵۸، ۵۵). قشون روس در عرض راه از غارت و چپاول مناطق اشغالی دریغ نمی کرد، به طوری که در اردبیل اشیاء نفیسی را که از زمان شاه عباس در آرامگاه شیخ صفی وجود داشت، تصاحب و به مسکو و پترزبورگ حمل کردند. مرکز فرماندهی شاهی که تا آن زمان در سلطانیه بود، به محض ورود نیروهای روس به شهرهای شمالی، از سلطانیه به تهران منتقل گردید و منتظر وصول گزارش از عباس میرزا شد.

ارتش ضعیف ایران نتوانست با سپاه روسیه برابری کند و ارتش تزار همچنان به پیشرفت خود ادامه می داد. وقتی سپاهیان روس عازم تبریز شدند، این شهر در دست والی بی لیاقت آن، آصف الدوله خائن بود. وی از شدت ترس، متواری شد و بدین سان تبریز هم به آسانی به دست روس ها افتاد و غارت شد. سقوط تبریز، جنگ روس با ایران را وارد مرحله جدیدی کرد. فرمانده قشون روس (ژنرال پاسکویچ) درصدد تصرف تهران برآمد؛ اما امپراتور روسیه، تزار نیکلای اول به او دستور داد که همان جا متوقف شود و عهدنامه ای با ایران به امضا برساند (امین ریاحی، ۱۳۷۸: ۳۱۷). پیشنهاد صلحی که از طرف روس ها در سقوط تبریز ارسال شد، مورد استقبال عباس میرزا قرار گرفت (ورجاوند، ۱۳۷۸: ۱۴۴).

در همین زمان، انگلیس نیز به اقتضای مصالح خود به تلاش افتاد و مصمم شد که امر صلح را تسریع کند؛ به همین جهت با عباس میرزا وارد گفتگو شد. شهر دهخوارقان را پاسکویچ برای مذاکره تعیین کرد و سران دو کشور در آنجا حضور یافتند و مذاکرات آغاز شد (انصاری، ۱۳۴۹: ۶۸).

در مجلس مذاکرات دهخوارقان، پاسکویچ قرار صلح را به واگذاری ایالات ایروان، نخجوان، ماکو، تالش و مغان و پرداخت بیست کرور اشرافی از طرف ایران مشروط کرد و سرانجام به پانزده کرور تومان راضی شد تا فقط شهرهای این طرف رود ارس را تخلیه کند. عباس میرزا موضوع را به شاه گزارش داد. شاه از این پیشنهاد سخت برآشفته و دستور تجهیز قوا را صادر کرد. سفیر انگلیس در تهران با آگاهی از شکست مذاکرات دهخوارقان جهت حفظ منافع انگلستان و جهت حفظ هندوستان، به دربار فتحعلی شاه شتافت و شاه غضبناک را راضی به پرداخت غرامت کرد؛ با این تفاوت که قول داد که میزان غرامت را به ده کرور تقلیل دهد؛

بنابراین با وساطت سفیر انگلیس مقرر گردید که مذاکرات صلح مجدداً آغاز شود و این بار در قریه ترکمانچای انجام شود. در پایان مذاکرات طولانی، مبلغ غرامت همان‌طور که سفیر انگلیس قول داده بود، ۱۰ کرور معادل ۵ میلیون تومان تعیین گردید که قبل از امضای معاهده باید به روس‌ها داده می‌شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۶۴: ۲۳۶).

جهت پرداخت این خسارت، ایران می‌بایست که تا ۲۶ رمضان ۱۲۴۳ قمری، یعنی ظرف مدت ۵۲ روز هشت کرور از ده کرور غرامت را نقداً بپردازد؛ ولی چون پرداخت این مبلغ از طرف ایران در این مدت کوتاه غیرممکن بود، یک ضرب‌الاجل نیز برای ایران تعیین گردید. به طوری که در فصل سوم همین قرارداد آمده است که اگر مبلغ فوق که هشت کرور است تا روز پانزدهم صفر ۱۲۴۴ قمری تسلیم نشود، تمام ولایت آذربایجان از ایران انفصال دائمی خواهد یافت. در همین فصل نیز قید شده است که اگر هفت کرور از طرف ایران پرداخت شود، همه آذربایجان در مدت یک ماه تخلیه و به ایرانیان واگذار می‌شود، به جز قلعه و ولایت خوی که تا پایان وصول کرور هشتم در اختیار لشکر روس باقی خواهد ماند (قاضی‌ها، ۱۳۷۹: ۲۸).

در این زمان عباس میرزا به سبب بیماری از پاسکویچ خواست تا تبریز را استثنائاً تخلیه نماید تا او قادر باشد در خانه خود به معالجه بپردازد. پاسکویچ نیز خواسته وی را پذیرفت و شهر تبریز در ششم رمضان ۱۲۴۳ قمری از قوای روس تخلیه شد. با پرداخت کرور هفتم توسط فتحعلی‌شاه، ارومیه نیز از رهن خارج شد و فقط خوی در رهن روسیه باقی ماند. تهیه یک کرور باقی‌مانده جهت آزادسازی خوی، عباس میرزا را سخت گرفتار ساخت. در این برهه به ناچار پای انگلستان به میان آمد و از مبلغ مزبور بنا به تعهدی که داشت، دویست هزار تومان پرداخت نمود و عباس میرزا همچنان درصدد تهیه ۳۰۰ هزار تومان باقیمانده بود تا اینکه حدوداً در محرم ۱۲۴۵ قمری یک‌صد هزار تومان از کرور هشتم باقی بوده است. در این زمان به ناچار مقداری جواهر به ارزش یک‌صد و بیست و پنج هزار تومان به‌عنوان وثیقه یک‌صد هزار تومان کسری کرور هشتم به روس‌ها سپرده شد و خوی تخلیه گردید.

جهت آزاد نمودن جواهرات از رهن روسیه، قرار بر این گردید که معادل بخشی از یک‌صد هزار تومان باقیمانده کرور هشتم، غله به روسیه تحویل گردد. کرور نهم نیز قرار شد به اقساط پنج‌ساله پرداخت شود و کرور دهم هم از طرف امپراطور بخشیده شد (قائم‌مقامی، ۱۳۵۳: ۲۸۱).

مفاد معاهده ترکمانچای

سرانجام در دهم فوریه ۱۸۲۸ میلادی برابر با پنجم شعبان ۱۲۴۳ قمری (اول اسفندماه ۱۲۰۶ شمسی) عهدنامه‌ای که سرنوشت ایران را طی مدت یک قرن بعد، یعنی سقوط حکومت تزاری روسیه تعیین می‌کرد، در ترکمانچای به امضا رسید (حیدری، ۱۳۸۱: ۸۸).

مفاد معاهده ترکمانچای عبارت بود از: استرداد اسرای ایران، پرداخت غرامت جنگ به دولت روسیه، اجازه عبور و مرور کشتی‌های تجاری روس در دریای مازندران، حق قضاوت کنسولی به روسیه، تخلیه تالش توسط سپاه ایران و واگذاری ایروان و نخجوان به ملکیت مطلقه روس، تأیید ولیعهدی عباس میرزا و به رسمیت شناختن سلطنت ایران در صورتی که ولیعهد به این مقام برسد. مطابق ذیل این معاهده، در صورت ارتکاب جرم توسط اتباع روس در ایران، دادگاه‌های ایران حق کوچک‌ترین دخالتی را نداشتند (کاپیتولاسیون). از دیگر مفاد این معاهده، تحمیل معاهده تجاری بر ایران بود که طبق فصل اول آن، اتباع روس در همه جای ایران می‌توانند تجارت کنند و در صورت وفات، اموال منتقله و غیرمنتقله آن‌ها، بدون هیچ مانعی از احکام ولایات متعلق به دولت روس است (امینی و ابوالحسن شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۰۸).

سرزمین‌های از دست‌رفته ایران

در جنگ دوم ایران و روسیه، قریب به یک‌صد و شصت هزار کیلومتر مربع از اراضی حاصلخیز و پرجمعیت ایران که در قفقاز واقع بود از دست رفت. طی قرارداد ترکمانچای، خانات ایروان، مناطق اردوباد و بخشی از مغان و شروان، نخجوان و دو سوم تالش از ایران جدا شد (میرسنجری، ۱۳۸۹).

نقش علما در رویارویی با دشمن

یکی از پدیده‌هایی که دور دوم جنگ‌های ایران و روسیه را نسبت به نبردهای پیشین ایرانیان تا حدود زیادی متمایز می‌ساخت، نقش پررنگ علما در این جنگ بود. دولت ایران که سخت در تنگنا بود بر آن شد که با پشتیبانی عالمان دین از این گرداب سهمگین به درآید و با انگیزی که عالمان در مردم پدید می‌آوردند در جنگ از آن استفاده کند. از دست‌رفتن بخش گسترده‌ای از ایران در جنگ اول ایران و روس، زیر سلطه و سیطره کفر در آمدن شهرها و سرزمین‌های

مسلمان‌نشین و خبرهای ناگواری که به علما می‌رسید، سبب گردید که روحانیون در نگرانی شدید به سر برند و در پی چاره کار باشند و برای گشودن این گره کور به تلاش برخیزند. از همین رو در فاصله کوتاهی، اراده و انگیزه بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی در عزمی مشترک میان عوام و نخبگان، جامه عمل پوشید و دور دوم جنگ‌های ایران و روس را ایرانیان آغاز کردند. هرچند باید توجه داشت که قدرت پیش‌رونده روس، ولو ایرانیان جنگ را آغاز نمی‌کردند، دیر یا زود راه خود را به سوی ارس می‌گشود (شمسایی، ۱۳۹۰: ۸).

فتحعلی‌شاه برای جنگ به علما متوسل گردید تا فتوایی از آن‌ها در مورد جهاد بگیرد و به جنگ به‌عنوان جهاد نگریسته شود (دنبلی، ۱۳۸۳: ۲۲۲). گرفتن فتوا از علمای بزرگ و مجتهدان به عهده قائم مقام بزرگ گذارده شد. وی حاجی ملا باقر سلماسی و صدرالدین محمد تبریزی را برای گرفتن حکم جهاد نزد علما فرستاد.

آقا سید محمد اصفهانی، مجتهد وقت که بعدها به سید محمد مجاهد معروف شد (بامداد، ۱۳۷۱: ۲۰) با فضلالی عظام، حاجی ملا محمد جعفر و آقا سید نصرالله استرآبادی و حاج سید محمد قزوینی و سید عزیزالله طالش و بسیاری از علما و فضلالی هر بلد وارد اردوی فتحعلی‌شاه شدند. این علما با ورود به دربار شاه، او را به دلیل تعرض روس‌ها به جان و مال و ناموس مسلمانان با فتوای جهاد به قطع رابطه با روسیه و اعلام جنگ واداشتند (هدایت، ۱۳۸۰: ۷۵۳۵).

ماه محرم و شهادت سالار شهیدان بهترین زمان بود که علما از آن بهره‌برند و مردم علاقه‌مند و عاشق و شیدای امام حسین (ع) را به دفاع از ستم‌دیدگان و اسیران در دست روس‌ها برانگیزانند و برای دفاع از عقیده و مرام و سرزمین خود، به نبردی شجاعانه وادارند.

علمایی مانند آخوند ملا احمد نراقی و جناب آخوند ملا محمد مامقانی بعد از ذکر مصیبت حضرت سیدالشهداء، مردم را به جهاد ترغیب کردند و مردم دسته‌دسته و فوج فوج از مجلس وعاظ برخاسته به خدمت نایب‌السلطنه آمده، اظهار شوق و بی‌باکی از کشته‌شدن و کشتن می‌کردند (ذاکری، ۱۳۸۰: ۳۸۴).

نقش مردم در رویارویی با دشمن

در جنگ ایران با روس، بسیج نیروها به دو صورت نظام وظیفه عمومی توسط دولت و بسیج مردمی توسط علما صورت می‌گرفت.

عباس میرزا برای اینکه بتواند در مقابل روس‌ها مقاومت نماید در ابتدا از نیروهای رسمی و نظامی استفاده می‌کرد، ولی با توجه به قدرت برتر نظامی روس‌ها، ناچار به استفاده از نیروهای غیرنظامی شد. وی فرمان نظام وظیفه عمومی را به تمام نقاط کشور صادر نمود. در نتیجه، نیروهای مردمی بالاخص مردم آذربایجان با هم متحد شدند و داوطلبانه در جنگ‌ها، رشادت‌هایی از خود نشان دادند. عباس میرزا همچنین برای دفاع از کشور، ایلات و عشایر را به خدمت گرفت. نیروهای ایلات در کنار نیروهای مردمی به مبارزه با روس‌ها پرداختند (وقایع‌نگار، ۱۳۶۹: ۸۶).

یکی از مؤثرترین عواملی که عباس میرزا در تهییج قشون و برانگیختن و تشویق طبقات مردم برای شرکت در جنگ‌ها و جمع‌آوری لشکریان از نقاط مختلف کشور انجام داد، استفاده از نفوذ علما در مردم بود. نیروهای مذهبی به میان ایلات و عشایر می‌رفتند و مردم را برای جنگ با روس بسیج می‌کردند.

در طی جنگ دوم ایران و روس، نیروهای مردمی تأثیر بسزایی داشتند و برای دفاع از جان و مال و ناموس در قشون عباس میرزا حاضر می‌شدند. به‌عنوان نمونه، مردم ایروان با توجه به اینکه وسیله دفاع نداشتند، با چوب و بیل به دفاع پرداختند (وقایع‌نگار، ۱۳۶۹: ۲۲۷).

کناره‌گیری علما از جنگ

در جنگ دوم ایران و روس، دو گروه و با دو هدف با روس‌ها می‌جنگیدند: علما و مردم با عشق به خدا و دفاع از سرزمین خود و عباس میرزا و درباریان به عشق جاه و مقام و ثروت و گستراندن هرچه بیش‌تر حکومت خود.

دنیامداران و رهبران آنان که فرماندهی قشون ایران به عهده آنان بود، به این فکر فرو رفتند که علما با این شکوه‌آفرینی، زمام امور را در دست خواهند گرفت و آنان را از جاه و مقام و قدرت به زیر خواهند آورد. از این روی در آن هنگامه بزرگ که سپاه ایران به سکوی پیروزی بالا می‌رفت، جلسه‌های سرّی بین دنیاطلبان و فرماندهان سپاه روس برقرار شد و طرف روس که از گزارش‌ها دریافته بود عباس میرزا نگران جایگاه خود پس از پدر است و با توجه به نقش‌آفرینی علما این نگرانی برای او بیش‌تر شده و افزون بر برادران، علما رقیب جدی و قدرتمند او خواهند بود؛ پیشنهاد دادند سپاه ایران را دچار شکست کند تا سلطنت او پس از پدر از سوی روس تضمین

شود. عباس میرزا پذیرفت و آن صحنه ننگین را به بار آورد.

علما از این می‌سوختند که مردم با آن همه شور و هیجان و براساس وظیفه شرعی و دینی و برای دفاع از ستمدیدگان در بند روس و مرزهای ایران، پا به عرصه جنگ گذاشتند و خود آن‌ها نیز با آن سن بالا و پیری در میدان حاضر شده و در جنگ شرکت کرده‌اند، اما بی‌برنامگی‌ها، بی‌تدبیری‌ها، سهل‌انگاری‌ها و از همه دردناک‌تر خیانت‌ها و جاه‌طلبی‌ها و رقابت‌ها، کار را به اینجا رساند و قشون ایران چنین ساده شکست خورد و شرمنده و سرافکننده عقب‌نشینی کرد.

پس از شکست سپاه ایران در گنجه و شوشی، علما به‌ویژه سید مجاهد به این نتیجه رسیدند که عباس میرزا و درباریان در پشتیبانی از مردم و سرزمین‌های اشغالی صادق نیستند و عباس میرزا از روی عمد در گشودن و به جنگ گرفتن قلعه شوشی کوتاهی ورزیده و این فلاکت را برای سپاه ایران به بار آورده است تا پیروزی‌های درخشان سپاه به نام اسلام و علما تمام نشود و آنان در حاشیه قرار بگیرند و به‌عنوان قهرمان جنگ شناخته نشوند.

عباس میرزا و درباریان وقتی که فهمیدند علما و سید مجاهد به نیرنگ‌ها و دسیسه‌های آنان پی برده‌اند، چاره کار در این دیدند آن برگ دیگر از دسیسه خود را نیز رو کنند و به علما به‌ویژه سید مجاهد آزار و اذیت برسانند و شکست در جنگ را به گردن سید مجاهد بیندازند و با اجیر کردن اوباش و به بهانه‌های واهی کاری کنند که علما تاب نیاورند و جبهه را ترک گویند.

این دسیسه‌ها باعث شد تا مردم تبریز به خاطر کشته‌شدن چند تن از سادات و فرماندهان تبریز در جنگ گنجه به روی علما به‌ویژه سید مجاهد حساس شدند و به آنان توهین کردند و آنان را عامل این جنگ و کشته‌شدن سادات و فرماندهان می‌دانستند. از این روی با اینکه شاه از علما به خاطر این برخورد دور از ادب مردم دلجویی کرد و دلجویی شاه سبب گردید مردم آرام بگیرند؛ ولی آنان جبهه را ترک کردند.

غافل از اینکه مردم شهادت‌طلب و کسانی که از جان و مال گذشته و در دفاع از اسلام و سرزمین خود به‌پا خاسته‌اند، هیچ‌گاه چنین رفتاری را انجام نمی‌دهند. نمی‌توان گفت اینان مردم بودند؛ مردم بارها وفاداری و هم‌پیمانی و همراهی و هم‌گامی خود را با علما اعلام کرده بودند و علما را بسان ننگین در حلقه خود داشتند (ذاکری، ۱۳۸۰: ۳۲۲).

دلایل شکست ایران از روس

۱. به گفته تاریخ‌نویسان، چنانچه مشی سیاسی فتحعلی‌شاه در جریان جنگ تغییر نمی‌یافت و او به سادگی تمام به دام تنیده‌شده انگلیسی‌ها نمی‌افتاد، بی‌گمان جنگ‌ها سرنوشت دیگری می‌یافت.
۲. عدم برآورد توان و نیروی سپاه دشمن.
۳. احساس بی‌نیازی عباس‌میرزا و درباریان از علما و مجتهدان شرکت‌کننده در جنگ (ذاکری، ۱۳۸۰: ۳۲۲).
۴. فقدان ارتش مدرن (آهنگران، ۱۳۸۸: ۲۹).
۵. خیانت و سهل‌انگاری فرماندهان جنگ و خان‌های منطقه.
۶. خارج‌شدن مردم غیور تبریز و شهرهای پیرامون آن از صف مدافعان به خاطر ستم‌ها و بیدادگری‌ها.
۷. ضعف و بی‌تدبیری‌های عباس‌میرزا و خیانت و یا کوتاهی وی در گرفتن قلعه شوشی.
۸. خودرأیی و استبداد عباس‌میرزا در هدایت جنگ و رایزنی‌نکردن با آشنایان به فنون نظامی و آگاهان سیاسی و سیاستمداران غیر وابسته.
۹. دسیسه دولت انگلیس و دخالت جاسوسان آن کشور در امور سیاسی نظامی کشور.
۱۰. جاسوسی شماری از غیرمسلمانان منطقه برای دولت روس.
۱۱. عباس‌میرزا در اواخر جنگ، تنها به پایان‌یافتن جنگ و به رسمیت شناخته‌شدن ولیعهدی خود از جانب روس‌ها فکر می‌کرد. چنان‌که در انعقاد قرارداد ترکمانچای و واگذاری همه مناطق قفقاز به روس‌ها، هیچ تردیدی به خود راه نداد (آهنگران، ۱۳۸۸: ۲۹).
۱۲. برخی از کارشناسان، علت شکست ایران در جنگ‌های دوره دوم را «خست فتحعلی‌شاه در رسیدگی به امور نظامیان» و عدم ارسال کمک از تهران و غرض‌ورزی درباریان و کارگزاران در برخورد با عباس‌میرزا (رقابت شاهزادگان برای تصاحب مسند ولیعهدی) و تعیین ژنرال پاسکویچ به‌عنوان افسری خشن به فرماندهی قوای نظامی روس می‌دانند. حامد الگار معتقد است: سبب شکست عباس‌میرزا در جنگ ایران و روس، پیش از آنکه تفوق روس‌ها باشد، خصومت برادران عباس‌میرزا با وی و نیز تشکیلات نادرست اوست و همین دو سبب، موجب شکست او شد (الگار، ۱۳۶۵: ۱۲۷).

گویا ادامه یافتن جنگ و ناتوانی‌های نظامی ایران در مقابل تجهیزات مدرن نظامی روس با حسّت شاه و عدم کمک مالی او به سپاه عباس میرزا همراه شد و زمینه پذیرش مجدد صلح و در نتیجه واگذاری امتیازات بیشتر به دولت روس فراهم آمد. البته در این مقطع از جنگ، برخلاف روزهای اوج گیری نبرد، مک دونالد و چند تن افسر انگلیسی که به عنوان مستشار نظامی ایران، همه جا در میدان‌های جنگ همراه شاه و ولیعهد بودند، آنان را به ادامه جنگ و نپذیرفتن صلح تحریک می‌کردند (نفیسی، ۱۳۷۶: ۱۴۱). پیداست که این بار نیز میان سفیر انگلستان و فرماندهی سپاه روسیه، روابط محرمانه‌ای وجود داشت و هر دو برای هدف واحدی همکاری می‌کردند. دولت انگلستان در این آتش‌افروزی مقاصد گوناگونی داشت که از آن جمله مشغول کردن روس‌ها در جنگ دیگری با ایران در قفقاز بود؛ زیرا تصمیم روس‌ها به اشغال قسطنطنیه به دنبال شکست عثمانی از ایران و علنی شدن ضعف نظامی آن بود (شمیم، ۱۳۸۴: ۷۰).

جنگ عراق با ایران برای تجزیه خوزستان از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۹ شمسی

سیاست توسعه‌طلبانه دولت عراق در این تحقیق از سال ۱۳۴۲ شمسی مورد بررسی قرار گرفته است. براساس این سیاست، مسئله بازگشت خوزستان به دامن مادر عربی در شورای جامعه عرب توسط عراق مطرح شد و به منظور آزادسازی خوزستان که نام آن را به صورت جعلی عربستان گذاشته بود، با کمک‌های مالی و تسلیحاتی عراق، جبهه التحریر (جبهه آزادی‌بخش اهواز) را در خوزستان ایران به وجود آورد. در ادامه این اقدامات، دولت عراق برای مشروعیت‌بخشیدن به مداخلات خود در امور داخلی ایران، خصوصاً خوزستان، در سال ۱۹۶۴ میلادی کنفرانس حقوق‌دانان عرب را در بغداد برگزار کرد. این کنفرانس در پایان اجلاس خود با صدور قطعنامه‌ای، ضمن صحه گذاشتن بر ادعاهای عراق، اعلام داشت:

«عربستان (خوزستان) در شمال خلیج، نزدیک شط‌العرب جزو لاینفک میهن عربی است» (پارسا دوست، ۱۳۶۵).

در کنار مداخله سیاسی دولت عراق در استان خوزستان، از سال ۱۹۶۵ میلادی چندین بار هواپیماهای شکاری و بمب‌افکن‌های عراقی به مرزهای ایران تجاوز کرده و دهکده‌های مرزی را بمباران کردند که در اثر آن عده‌ای از ایرانی‌ها کشته و مجروح شدند. در پی این حوادث،

احساسات ضد عراقی در افکار عمومی ایران برانگیخته شد و دولت تحت فشار قرار گرفت که اقدامات لازم را برای مقابله با عراق انجام دهد. ضعف دولت تهران کاملاً مشهود بود؛ چرا که دولت ایران بلافاصله آمادگی خود را برای مذاکره به منظور حل و فصل اختلافات و مناقشات دو کشور اعلام کرد و از دولت عراق خواست که با پذیرش مذاکره یکبار و برای همیشه به اختلافات دو کشور خاتمه دهد (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷).

عدم قاطعیت دولت ایران باعث شد که دولت عراق در پاسخ به پیشنهاد دولت ایران، موضع سرسختانه‌ای اتخاذ کند و در اقدامی تلافی‌جویانه و با اتهام اینکه ایرانیان مقیم آن کشور ستون پنجم را علیه عراق تشکیل داده‌اند، اقدام به مصادره اموال و اخراج دسته‌جمعی آن‌ها از عراق کند. اختلافات بین دو کشور پس از اینکه حزب بعث از طریق کودتایی نظامی در ژوئیه ۱۹۶۸ میلادی (تیرماه ۱۳۴۷ شمسی) در عراق به قدرت رسید، شدت بیشتری به خود گرفت. بعضی‌ها برای اینکه پایه‌های حکومت کودتایی خود را محکم کنند، در ابتدای امر برای آرام کردن اوضاع داخلی و تثبیت اقتدار خود از طرح اختلافات خود با ایران پرهیز کردند. به همین دلیل، نسبت به حل و فصل اختلافات مرزی با ایران روی خوش نشان دادند و احمد حسن البکر، رهبر رژیم جدید عراق، از ایران به‌عنوان دوست و همسایه بزرگ یاد کرد و تأکید نمود. معاون نخست‌وزیر آن کشور نیز در آذرماه ۱۳۴۷ شمسی در سفری به تهران آمادگی کامل دولت عراق را برای حل مسائل معوقه و تعیین مرزهای دو کشور طبق مقررات جهانی و به‌صورت معمول بین‌المللی ابراز نمود.

بعد از مدت کوتاهی، مواضع دولت جدید عراق هم مانند حکام قبلی تغییر یافت و ادعاهای گذشته را در مورد اروندرود تکرار کرد. در ۲۶ فروردین ۱۳۴۸ شمسی (۵ آوریل ۱۹۶۹ میلادی) تنها نه ماه پس از به قدرت رسیدن بعضی‌ها و تثبیت پایه‌های حکومت خود و یافتن حامیان خارجی از جمله شوروی به دولت ایران اعلام کرد:

«دولت عراق شطالعرب را جزئی از قلمرو خود می‌داند و از دولت ایران تقاضا دارد به کشتی‌هایی که پرچم ایران را در شطالعرب برافراشته‌اند دستور داده شود پرچم ایران را پایین بیاورند و اگر از نفرات نیروی دریایی کسی در کشتی باشد خارج شود، والا دولت عراق مأمورین نیروی دریایی ایران را با توسل به زور از کشتی خارج خواهد ساخت و در آتیه اجازه نخواهد داد

کشتی‌هایی که مقصد آن‌ها بنادر ایران است، وارد شط العرب شوند» (وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۶۱).

در پی این اقدام، نیروهای نظامی دو کشور در مرزها به حالت آماده‌باش در آمدند و ایران تحت حمایت ناوچه‌های جنگی، کشتی‌های خود را از شط العرب عبور داد. در مقابل، دولت عراق حدود پنجاه هزار نفر از ایرانیان را که سال‌ها در آن کشور اقامت داشتند، از خاک عراق اخراج کرد و اموال آنان را مصادره نمود (پارسا دوست، ۱۳۶۵).

در نتیجه این اقدامات، روابط ایران و عراق به سرعت رو به وخامت گذاشت و عراق بار دیگر ادعاهای پیشین را نسبت به خوزستان ایران تکرار کرد. در این باره، معاون نخست‌وزیر و وزیر کشور عراق در سال ۱۹۶۹ میلادی اظهار داشت: «عراق هرگز به‌طور جدی در مورد شط العرب با ایران اختلاف نداشته است، شط العرب جزئی از خاک عراق است. اختلاف در مورد عربستان (خوزستان) بوده که قسمتی از خاک عراق است و در دوره قیمومیت خارجی ضمیمه ایران شده و برخلاف خواست مردم عراق، اهواز نامیده می‌شود» (وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۶۱). در سال ۱۹۶۹ میلادی، تلویزیون بصره نقشه جدیدی از عراق را در پشت سر گویندگان خود نصب کرد که در آن استان خوزستان تحت عنوان «عربستان» جزو خاک عراق محسوب شده بود و تلویزیون بغداد نیز در برنامه‌های خود، خرمشهر را المحمره، اهواز را الاحواز و آبادان را عبادان می‌خواند. در ادامه این سیاست‌ها، دولت عراق نقشه‌ای را به نام خارطة الاحواز را تحت عنوان منطقه مستقل احواز به تصویب کنگره معلمان عرب رسانید و مقرر کرد تا در مدارس عربی آموزش داده شود. در همین حال، ضمن به راه‌اندازی جنگ گسترده تبلیغاتی، اقدام به حمایت از سازمان‌های وابسته به خود در داخل ایران کرد. در این خصوص «جبهه آزادی‌بخش عربستان» (خوزستان) با کمک‌های مالی و تسلیحاتی و حتی با واگذاری ایستگاه رادیویی از سوی عراق، تجدید سازمان شد. صدام حسین، معاون رئیس‌جمهوری عراق در ۲۰ ژوئیه ۱۹۷۰ میلادی در این باره گفته بود: «ما به آن‌ها پول و اسلحه و هرچه که برای مبارزه لازم داشتند، دادیم» (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷).

در پی اعلام تصمیم دولت انگلستان مبنی بر خروج نیروهای آن کشور از خلیج فارس در سال ۱۹۷۱ میلادی و اعاده حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک که آن‌هم در واقع به ازای واگذاری بحرین انجام شد، دولت عراق شدیداً به این مسئله اعتراض کرد و ضمن

قطع روابط سیاسی خود با ایران در عملی انتقام‌جویانه، بیش از هفتاد هزار نفر از ایرانیان مقیم آن کشور را اخراج کرد و نیروهای نظامی آن کشور تحرکاتی را در مرزهای ایران انجام دادند. در پی این تحرکات، در آذرماه ۱۳۵۰ شمسی (۱۹۷۱ میلادی) درگیری‌های مرزی شدیدی با استفاده از سلاح‌های سنگین بین طرفین در گرفت که در اثر آن، تعداد زیادی از نیروهای نظامی طرفین کشته و مجروح شدند.

متعاقب آن، دولت عراق به شورای امنیت سازمان ملل شکایت برد و نشست فوری شورا را خواستار شد. در پی تقاضای عراق، شورای امنیت تشکیل جلسه داد و پس از استماع نظرات نمایندگان طرفین و نماینده اعزامی دبیر کل به منطقه، قطعنامه شماره ۳۴۸ را در هفتم خرداد سال ۱۳۵۳ شمسی صادر کرد. در این قطعنامه، رعایت آتش‌بس، فراخوانی نیروها از مرزهای یکدیگر، خودداری از هرگونه اقدامی که موجب تشدید بحران گردد و انجام مذاکره برای رسیدن به توافق کامل خواسته شده بود.

برای اجرای این قطعنامه، وزرای خارجه ایران و عراق در شهریور ۱۳۵۳ ش مذاکراتی را در استانبول ترکیه آغاز کردند. در همین مورد، سعدون حمادی، وزیر امور خارجه عراق گفت: «مذاکرات چهار روزه با وزیر خارجه ایران به هیچ نتیجه‌ای نرسید و کوچک‌ترین موفقیتی به دست نیامد» (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷). اما این بن‌بست در مذاکرات دولتی ایران و عراق زیاد طول نکشید و دو کشور در ششم مارس ۱۹۷۵ میلادی با میانجیگری هواری بومدین، رهبر فقید الجزایر و طی ملاقات شاه با صدام حسین، معاون وقت و رئیس‌جمهوری عراق در جریان کنفرانس سران اوپک، بیانیه‌ای را امضاء کردند که به بیانیه الجزایر معروف شد.

جنگ عراق با ایران برای تجزیه خوزستان از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷ شمسی

پیروزی انقلاب اسلامی ایران در ۱۳۵۷ شمسی (۱۹۷۹ میلادی) منجر به سقوط شاه در ایران و به هم خوردن نظم و ساختار امنیتی در منطقه شد. با وقوع انقلاب اسلامی و ایجاد خلاء قدرتی که در منطقه به وجود آمد، فرصت کافی و لازم برای تحرک و عرض‌انداز کردن بازیگرانی نظیر عراق فراهم آمد. رهبران عراق در این وضعیت، فرصت به دست آمده را مغتنم شمرده و با اتخاذ سیاست‌های همسو و هم‌جهت با غرب در تلاش بودند تا از خلاء امنیتی منطقه سود ببرند و خود را

به‌عنوان بازیگر اصلی در میان کشورهای منطقه مطرح سازند. در این میان، انقلاب اسلامی نیز با توجه به ویژگی‌هایی که در سیاست‌های اعلامی خود داشت، ضمن اینکه به‌عنوان تهدید اصلی برای آمریکا محسوب می‌شد، زمینه را برای حمایت آمریکا از کشوری که بتواند تهدیدی برای ایران باشد، فراهم می‌کرد که این مسئله با توجه به تمایل مسئولین عراقی برای عادی‌سازی روابط خود با غرب، نقطه امیدوارکننده‌ای برای آن‌ها به حساب می‌آمد.

مایکل لدین در کتاب خود این‌گونه آورده است که: «سقوط شاه، نشانه فروریختگی بنای استراتژی ما در خلیج فارس گردید، استراتژی که ما آن را بر قدرت اقتصادی و سیاسی عربستان سعودی و نیروهای سیاسی و نظامی ایران پایه‌ریزی کرده بودیم. با محو رکن ایران، دیگر این استراتژی نمی‌تواند ایفای نقش کند» (لدین، ۱۳۶۲: ۳۰۱).

حمله سراسری عراق به ایران اسلامی

در ادامه سیاست توسعه‌طلبانه دولت عراق برای تجزیه خوزستان از ایران، صدام به‌عنوان رئیس‌جمهور جدید عراق و فرمانده کل نیروهای مسلح، بار دیگر در تاریخ ۲۶ شهریور سال ۱۳۵۹ شمسی برابر با ۱۷ سپتامبر سال ۱۹۸۰ میلادی رسماً قرارداد ۱۹۷۵ که بین او به‌عنوان معاون رئیس‌جمهور عراق و محمدرضا، شاه ایران در کشور الجزایر امضاء شده بود را لغو و آن را پاره کرد و ۵ روز بعد یعنی در ساعت ۱۴:۱۵ روز ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ شمسی برابر با ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۰ میلادی، کشورمان را از هوا، زمین و دریا مورد هجومی گسترده و ناجوانمردانه قرار داد (درودیان، ۱۳۷۷: ۲۴).

در مجموع، ۴۸ یگان نیروی زمینی ارتش عراق با پشتیبانی ۶۰۰ تا ۸۰۰ قبضه توپ، ۵۴۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۴۰۰ قبضه توپ ضدهوایی و حدود ۳۶۶ فروند هواپیمای جنگنده و ۴۰۰ هلی‌کوپتر، استان‌های آذربایجان غربی، کردستان، کرمانشاه، ایلام و خوزستان را درنوردیدند و هزاران کیلومتر مربع از خاک ایران را اشغال کردند؛ ده‌ها شهر کوچک و بزرگ و صدها روستا زیر چکمه ارتش بعث قرار گرفت. میلیون‌ها نفر از خانه و کاشانه خود آواره شدند و تلفات سنگین انسانی و خسارات بی‌شمار مالی به بار آمد (بشارتی، ۱۳۸۱: ۶۷).

حمله عراق از سه محور شمال، غرب و جنوب کشور بود؛ در جبهه شمالی با توان یک لشکر

برای تصرف نوسود و ارتفاعات مریوان تلاش کرد؛ در جبهه غرب با توان ۵ لشکر برای اشغال شهرهای مهران، سومار، نفت شهر، قصر شیرین، سرپل ذهاب و گیلانغرب در تلاش بود و در جبهه جنوبی هم با توان ۶ لشکر و دو تیپ برای تصرف و اشغال شهرهای خرمشهر، آبادان، اهواز، بستان، سوسنگرد، شوش، دزفول و دهلران تلاش می کرد (درودیان، ۱۳۷۲: ۲۴).

روزنامه نیویورک تایمز به نقل از یکی از کارشناسان رسمی آمریکا فاش کرد که طرح حمله نظامی عراق به ایران از سوی انگلیس طرح ریزی شده بود (بی نا، ۱۳۸۸: ۶۶).

علل پیشروی نیروهای دشمن

عدم آمادگی نظامی، جنگ های داخلی و عدم ثبات سیاسی ایران اسلامی، حمایت های سیاسی و کمک های نظامی و تسلیحاتی دشمنان انقلاب اسلامی از نظام بعثی عراق و سکوت معنادار سازمان ملل به ویژه شورای امنیت و نادیده گرفتن تجاوزهای مکرر عراق، سبب شد تا پیشروی نیروهای متجاوز به قلمرو ایران اسلامی، شتاب بیشتری بگیرد و قسمت های مهمی از خاک ایران به تصرف نیروهای تجاوزگر عراق در آید.

فضای سیاسی بین المللی در اوایل جنگ به شدت به زیان ایران اسلامی بود؛ تبلیغات و حمایت ها و ضعف قوای نظامی در پیشروی سریع ارتش عراق به خاک کشور بسیار مؤثر بود و عراق توانست از این فضا به نفع خود استفاده کند (زکی، ۱۳۸۰: ۵۹).

وضعیت سیاسی ایران اسلامی

در زمان حمله ارتش عراق، ساختار سیاسی و حکومتی ایران اسلامی بعد از انقلاب اسلامی در اثر جابجایی جریانات مختلف هیچ گونه شکل ثابتی به خود نگرفته و از ثبات لازم برخوردار نبود. بحران های سیاسی و فرهنگی در داخل کشور عملاً نهادهای سیاسی را درگیر خود ساخته و کارایی لازم در ساختار حکومتی برای پاسخ به یک تجاوز همه جانبه کاملاً از بین رفته بود (دولت شاهی، ۱۳۸۷: ۳۰).

وضعیت نظامی ایران اسلامی

در نتیجه انقلاب و بحران های زیادی که در کشور به وجود آمده بود و عوامل دیگر، هنوز توان نظامی ارتش بازسازی نشده بود؛ خصوصاً که خیلی از سران ارتش فرار کرده و در نتیجه

ماجرای طیس و کودتای نوژه هم به ارتش صدماتی خورده بود. لذا کشور در آغاز حمله سراسری عراق دارای توان نظامی مناسب برای دفاع نبود و از سوی دیگر به علت بحران‌هایی که در خوزستان و کردستان و مناطق دیگر روی داده بود و همچنین با حرکات ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور، اوضاع عمومی چندان مناسب و آرام نبود. در میان کشورهای منطقه و دنیا نیز از ایران چهره خطرناکی تصویر شده بود و لذا خیلی از کشورهای منطقه از آغاز جنگ عراق علیه ایران حمایت کردند. کشورهایی چون مصر، عربستان سعودی، کویت، اردن و غیره از عراق حمایت کرده و به کمک آن کشور شتافتند. این کشورها برای این که قیمت نفت در اثر جنگ بالا نرود، تولید نفت خود را افزایش دادند و در کنار آن سیل کمک نظامی آمریکا و کشورهای غربی و شوروی به عراق و آن کشورها روانه شد.

وضعیت عمومی ایران اسلامی

در این دوران، فعالیت‌های گروه‌های ضدانقلاب به‌طور مسلحانه افزایش یافته است و در گوشه و کنار کشور اقدام به ترور و بمب‌گذاری‌های گوناگون می‌کنند. در مجموع در ۶ ماهه دوم سال ۱۳۵۹ شمسی با حمله عراق، اوضاع عمومی کشور که تحت تأثیر بحران‌های خوزستان، کردستان، کاهش توان ارتش و محاصره اقتصادی و غیره تضعیف شده بود، امکان بحران‌های دیگری چون کمبود مواد غذایی، کمبود مواد سوختی و از سوی دیگر وجود دو گروه مقابل هم یعنی بنی‌صدر و طرفداران آن و حاکمیت ارتش در دست آن‌ها و نیروهای انقلاب و خط امام و اختلافات این دو گروه، اداره امور کشور خصوصاً اداره جنگ، متوقف کردن دشمن و آزادسازی مناطق اشغالی را با مشکل اساسی روبرو ساخته بود (درودیان، ۱۳۷۶: ۳۷).

آزادسازی سرزمین‌های اشغالی با فرماندهی بنی‌صدر

ارتش عراق که بخش وسیعی از خاک کشور را اشغال کرده است، با مقاومت مردمی و فعالیت نیروهای نظامی در خاک میهن متوقف می‌شود و پیشروی آن به‌کندی صورت می‌گیرد. لذا پس از آن، فعالیت نیروهای خودی برای آزادسازی مناطق اشغال‌شده تحت فرماندهی کل قوا بنی‌صدر آغاز می‌شود. این عملیات‌ها در نیمه دوم سال ۱۳۵۹ شمسی و نیمه اول سال ۱۳۶۰ شمسی صورت می‌گیرد. در کل به علت نداشتن فرماندهی صحیح و عملکرد ضعیف نیروهای عمل‌کننده،

چندان مؤثر واقع نمی‌شوند. در میان این عملیات‌ها چند عملیات دارای اهمیت خاص است:

۱. عملیات پل نادری: در تاریخ ۲۳ مهرماه ۱۳۵۹ شمسی اولین عملیات بزرگ ارتش در محور دزفول برای آزادسازی سرزمین‌های کشور انجام می‌شود. هدف این عملیات پیشروی تا مرزهای بین‌المللی و تعقیب ارتش عراق تا آن سوی مرز بود، اما به علت ضعف برنامه‌ریزی و تاکتیک به کار گرفته شده، موفقیتی نداشت (درودیان، ۱۳۷۶: ۳۷).

۲. عملیات هویزه: در منطقه هویزه این عملیات با هدف آزادسازی جفیر و پادگان حمید و ادامه آن تا آزادسازی خرمشهر در تاریخ ۱۵ دی‌ماه ۱۳۵۹ شمسی توسط ارتش انجام شد که دومین عملیات بزرگ ارتش بود. در این عملیات سه تیپ از ارتش و دو گردان پاسدار و عده‌ای از نیروهای چریک دکتر چمران و عده‌ای از دانشجویان پیرو خط امام حضور داشتند. عملیات در مرحله اول با موفقیت چشمگیری روبرو شد و حدود ۲۰۰۰ تن از نیروهای عراقی به محاصره درآمدند و تعداد قابل توجهی تانک، نفربر، خمپاره و سلاح سبک به غنیمت گرفته شد که این پیروزی ضمن اینکه موجی از شادی و امید را در دل مردم ایران جای داد، وحشت و ترس عجیبی را در دل نیروهای عراقی افکند. اما نیروهای ایران به دنبال پیروزی، حساب‌شده عمل نکردند. در نتیجه عراق با واردکردن نیروهای جدید و شناسایی موقعیت نیروهای ایرانی و پی‌بردن به اینکه نیروهای ایرانی پشتیبانی لازم را ندارند، نیروهای ایرانی را به محاصره خود در آورده و علیرغم تلاش نیروهای جهادگر و دانشجویان پیرو خط امام به علت عدم فرماندهی مناسب، نیروهای خودی عقب‌نشینی کرده و ۱۴۰ تن از برادران سپاهی و دانشجویان خط امام و فرمانده سپاه هویزه سیدحسین علم‌الهدی که در محاصره عراق قرار گرفته بودند شهید شده و هویزه که تا این زمان اشغال نشده بود، به اشغال ارتش عراق در آمد (درودیان، ۱۳۷۶: ۳۸).

۳. عملیات توکل: این عملیات برای آزادسازی خرمشهر و عقب‌راندن ارتش عراق از شرق کارون در ۲۰ دی‌ماه ۱۳۵۹ شمسی در دو محور آبادان و ماهشهر اجرا شد. در این عملیات نیروهای ارتشی، ژاندارمری، سپاهی، بسیجی و ستاد جنگ‌های نامنظم دکتر چمران حضور داشتند. نیروهای عمل‌کننده در محور ماهشهر در مقابل نیروهای عراقی متوقف شدند، اما در محور آبادان توانستند خط آن‌ها را بشکنند و تعدادی از نیروهای عراقی را اسیر کنند، اما در کل این عملیات موفقیتی نداشت (درودیان، ۱۳۷۶: ۳۷).

به دنبال عملیات‌های ذکر شده عملیات‌های دیگری هم از سوی ارتش و با فرماندهی کل قوا بنی‌صدر صورت گرفت؛ اما به علت تفکر حاکم بر جنگ از سوی بنی‌صدر، روند مقابله با عراق و آزادسازی مناطق اشغالی به تدریج با بن‌بست مواجه شد.

برای شکسته شدن این بن‌بست، حضرت امام (ره) ملت ایران را به عکس‌العمل وا داشت. در اولین عکس‌العمل، دادستان کل انقلاب با منافقین و گروه‌های مسلح ضدانقلاب اتمام حجت نموده، سپس روزنامه انقلاب اسلامی که متعلق به بنی‌صدر بود در ۱۸ خرداد سال ۱۳۶۰ شمسی بسته شد و به دنبال آن در ۲۰ خرداد حضرت امام (ره) بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا عزل کرد و تیمسار فلاحی را به جای وی نشانید. چندی بعد از آن مردم ایران دست به راهپیمایی عظیمی علیه بنی‌صدر زدند که در نتیجه عده کثیری از نمایندگان مجلس رأی به عدم کفایت سیاسی بنی‌صدر دادند که به دنبال آن حضرت امام (ره) هم بنی‌صدر را از ریاست جمهوری اسلامی ایران عزل کردند (درویان، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

آزادسازی سرزمین‌های اشغالی با فرماندهی امام (ره)

بعد از عزل بنی‌صدر، تغییرات اساسی در فرماندهی و نحوه اداره جنگ با عنایت و لطف خداوند و همت و پایمردی مردم، خصوصاً جوانان و فرماندهی حضرت امام (ه) به وجود آمد و زمینه مساعدتری برای حضور و فعالیت نیروهای جدید مثل سپاه پاسداران و همکاری بیشتر آن‌ها با ارتش فراهم گردید. لذا در ادامه اقدامات و طرح‌ریزی‌های نظامی برای آزادسازی مناطق اشغالی صورت گرفت. در تیرماه سال ۱۳۶۰ شمسی جاده مهم آبادان به ماهشهر آزاد شد و نیروهای ایران توانستند عراقی‌ها را تا انتهای رودخانه کرخه نور عقب برانند. در ادامه آن مقاومت دشمن در دارخوین شکسته شد و به دنبال آن ارتفاعات مهم اورامانات، کرخه نور، محور نقره و اشنویه طی ماه‌های مرداد و شهریور ۱۳۶۰ شمسی آزاد شدند و به دنبال آن با چهار عملیات بزرگ بخش وسیعی از مناطق اشغالی کشور آزاد شدند:

۱. عملیات ثامن‌الائمه: شکستن حصر آبادان

در ادامه عملیات‌های آزادسازی، به لحاظ اهمیت فوق‌العاده آبادان و شرق رودخانه کارون این عملیات در این منطقه و با در نظر گرفتن این سخن امام (ره) که محاصره آبادان باید شکسته

شود، توسط سپاه و ارتش در تاریخ ۵ مهرماه سال ۱۳۶۰ شمسی انجام شد. این عملیات که با شرکت ۱۶ گردان از سپاه، ۱۳ گردان از ارتش و یک گردان از ژاندارمری در مقابل ۳۰ گردان نیروهای عراقی بود؛ در سه محور دارخوین، فیاضیه و جاده آبادان به ماهشهر صورت گرفت. ۱۵۰ کیلومتر مربع از خاک کشور از جمله دو جاده مهم اهواز - آبادان و ماهشهر - آبادان آزاد شدند و شهر آبادان پس از ماهها از محاصره عراق خارج شد (درودیان، ۱۳۷۲: ۷۳).

۲. عملیات طریق القدس:

عملیات طریق القدس در ۸ آبان ماه سال ۱۳۶۰ شمسی در منطقه بستان با همکاری سپاه و ارتش با توان ۲۳ گردان از سپاه و ۹ گردان از ارتش در مقابل ۶۰ گردان عراقی انجام شد. این عملیات برای قطع ارتباط ارتش عراق از شمال به جنوب جبهه با تصرف تنگه چزابه، آزادسازی شهر بستان و رسیدن به مرز بین المللی طراحی شده بود که در نتیجه آن ۶۵۰ کیلومتر از خاک ایران شامل شهر بستان، ۷۰ روستا، ۵ پاسگاه مرزی و نیز تنگه مهم چزابه آزاد شدند (درودیان، ۱۳۷۲: ۷۵).

۳. عملیات فتح المبین:

عملیات فتح المبین در دومین روز آغاز سال ۱۳۶۱ شمسی با هدف آزادسازی بخش وسیعی از مناطق اشغالی غرب رودخانه کرخه و خارج کردن شهرهای شوش، اندیمشک و دزفول از تیررس آتش توپخانه عراق به اجرا درآمد؛ که در آن ۱۰۰ گردان از سپاه و ۳۵ گردان از ارتش در مقابل ۱۷۰ گردان عراقی در چهار محور و طی چهار مرحله عملیات حضور داشتند. در نتیجه آن ۲۵۰۰ کیلومتر از مناطق اشغالی، به علاوه جاده مهم دزفول - دهلران آزاد شد و شهرهای دزفول، شوش، اندیمشک و پایگاه هوایی دزفول از تیررس آتش توپخانه عراق خارج شدند (درودیان، ۱۳۷۲: ۸۱).

۴. عملیات بیت المقدس و آزادسازی خرمشهر:

این عملیات با طرح مدون نیروهای سپاه در منطقه جنوب اهواز و شمال خرمشهر با هدف آزادسازی خرمشهر، هویزه و مناطق دیگر در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۰ شمسی آغاز شد و تا سوم خرداد طول کشید که در آن ۱۱۲ گردان از سپاه و ۴۵ گردان از ارتش در مقابل ۲۰۰ گردان عراق قرار داشتند. نیروهای ایرانی در چهار مرحله پیوسته توانستند با عبور از رودخانه کارون، جاده اهواز -

خرمشهر را تصرف کرده و با ورود به دروازه‌های خرمشهر از محورهای مختلف و محاصره کامل نیروهای عراقی مستقر در خرمشهر، نهایتاً آن‌ها را از شهر بیرون رانده و خرمشهر و همچنین مناطقی چون جفیر، پادگان حمید و شهر هویزه را که حدود ۵۰۰۰ کیلومتر مربع می‌شد، آزاد کنند و حدود ۱۸۰ کیلومتر از مرز بین‌المللی را در اختیار بگیرند (درودیان، ۱۳۷۲: ۹۹).

تنبیه متجاوز

پس از فتح خرمشهر، چنان‌که تاریخ جنگ تحمیلی به دست می‌دهد، عراق با مشاهده ناکامی در تجاوز نظامی خود، ناگزیر به مظلوم‌نمایی و صلح‌طلبی شد که حاصل آن طرح مقوله جنگ‌افروزی ایران اسلامی بود (هدایتی، ۱۳۸۳: ۱۶۹). ولی با توجه به سابقه شرارت عراق از سال ۱۳۴۲ شمسی، ایران اسلامی برای تنبیه متجاوز و مصون کردن کشور از تهاجمات آینده آن کشور، به رغم پشتیبانی آشکار و تجهیز تسلیحاتی و اطلاعاتی گسترده ارتش عراق از سوی آمریکا، شوروی، کشورهای اروپایی و اعراب حوزه خلیج فارس، به عملیات‌های خود در داخل خاک عراق ادامه داد. حضرت امام (ره) ضمن تبیین علت ورود به خاک عراق از نظر سیاسی و نظامی، از این اقدام به‌عنوان اهرمی برای فشار به مجامع بین‌المللی استفاده می‌کند و شرط اتمام عملیات دفاعی رزمندگان را در خاک عراق، پذیرش خواسته‌های به حق جمهوری اسلامی می‌داند.

ایشان خطاب به فرماندهان نظامی، سیاست پیشروی در داخل خاک عراق را این‌گونه ترسیم نمودند: «تکلیف ما این است که جلوی این کار را بگیریم. تکلیف ما این است که تا هر کجا که جلوگیری از این امر لازم است، پیش برویم و تا هر کجایی که باید دفاع کرد، پیشروی باید کرد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۸).

در ادامه پیشروی‌ها توسط رزمندگان اسلام، در مهم‌ترین عملیات، شهر بندری فاو عراق در سال ۱۳۶۴ شمسی (۱۹۸۵ میلادی) به تصرف رزمندگان اسلام درآمد (بنی سلیمی، ۱۳۸۲: ۲۸). در ادامه نبردهای ایران، عملیات کربلای ۵ در نوزدهم دی ماه ۱۳۶۵ شمسی (نیمه اول ژانویه ۱۹۸۶ میلادی)، موازنه قدرت به سود ایران اسلامی تثبیت شد. این عملیات موجب شد که دولت ریگان، «استراتژی صلح» را به‌طور جدی دنبال نماید. و این برگز، وزیر دفاع وقت آمریکا در آن هنگام با لحنی تهدیدآمیز چنین گفت: «آمریکا نمی‌خواهد که ایران در جنگ با عراق پیروز شود.

ما کاملاً آماده‌ایم برای رفت و آمد دریایی و تضمین آزادی کشتیرانی در تنگه هرمز، آنچه را که لازم است انجام دهیم» (درودیان، ۱۳۷۶: ۱۷۹).

حضور مستقیم آمریکا در جنگ

پس از آنکه تعادل قوای طرفین درگیر در جنگ و انجام عملیات کربلای ۵ به شدت به نفع ایران تثبیت شد، کشورهای غربی و شوروی سابق در برنامه‌های استراتژیک خود تجدیدنظر کرده و بر دامنه حمایت‌های خود از عراق افزودند (درودیان، ۱۳۷۶: ۴۰).

دستگاه سیاست خارجی آمریکا پس از رایزنی‌های گسترده در سازمان ملل، قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت را در تاریخ ۳۰ تیر ۱۳۶۶ شمسی (۲۰ ژوئیه ۱۹۸۷ میلادی) به اتفاق آرا به تصویب رساند. واشنگتن برای اعمال فشار بر تهران، طرح تحریم تسلیحاتی را به‌عنوان ابزار ضمانت اجرایی قطعنامه ۵۹۸، تسلیم شورای امنیت کرد. در این مرحله آمریکا که ناکارآمدی عراق را در جنگ با ایران می‌دید، خود مستقیماً وارد عرصه نبرد با ایران شد.

در استمرار برخورد خصمانه واشنگتن، در تاریخ ۳۰ شهریور سال ۱۳۶۶ شمسی (۲۱ سپتامبر ۱۹۸۷ میلادی) دو فروند از هلی‌کوپترهای نیروی دریایی این کشور، کشتی متعلق به نیروی دریایی ارتش ایران اسلامی را به اتهام مین‌گذاری، بدون هیچ‌گونه هشدار قبلی مورد حمله قرار دادند. ریگان رئیس‌جمهور وقت آمریکا، ضمن اعتراف به اینکه شخصاً دستور حمله به کشتی ایرانی را صادر کرده است، از آن به‌عنوان یک اقدام تدافعی نام برد و اضافه کرد که نگران تهدیدهای انتقام‌جویانه ایران نیست (درودیان، ۱۳۷۶: ۱۲۹). متعاقب این اقدامات، قوای ایالات متحده با حمله به پنج قایق گشتی نیروی دریایی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در تاریخ ۱۶ مهرماه سال ۱۳۶۶ شمسی (۸ اکتبر ۱۹۸۷ میلادی) سه فروند از آن‌ها را غرق کردند که در پاسخ به آن، ایران یک فروند هلی‌کوپتر آمریکایی را سرنگون کرد.

به دلیل برخورد یکی از رزم‌ناوهای آمریکایی با مین در خلیج فارس، در تاریخ ۲۵ فروردین سال ۱۳۶۷ شمسی (۱۴ آوریل ۱۹۸۸ میلادی)، در ۲۹ فروردین سال ۱۳۶۷ شمسی (۱۸ آوریل ۱۹۸۸ میلادی)، پرسنل نیروی دریایی ایالات متحده به دو سکوی نفتی رشادت و سلمان حمله‌ور شدند. علاوه بر این، سه چاه نفتی ایران در نزدیکی جزیره سیری مورد هدف مهاجمین آمریکایی

قرار گرفت. چند ساعت پس از این حمله، به دنبال درگیری تعدادی از قایق‌های توپ‌دار ایران با کشتی آمریکایی ویلی تاید در سواحل امارات متحده، رزم‌ناوها و هواپیماهای آمریکایی ضمن وارد ساختن خسارات به یک حلقه چاه مشترک ایران و امارات، ناوچه‌های جوشن، سهند و سبلان ایران را منهدم نمودند (پژوهشکده علوم دفاعی، ۱۳۷۶: ۱۶۹).

پایان مدبرانه جنگ

در ماه‌های آخر جنگ، حمایت جهانی از عراق به اوج رسید و آمریکایی‌ها عملاً و به‌طور مستقیم وارد صحنه شدند؛ سکوهای نفتی را بمباران کردند و با هدایت هواپیماهای عراقی، بمباران نفت‌کش‌ها را تسهیل کردند و هواپیمای مسافربری ایران را مستقیماً منهدم کردند. فرانسوی‌ها نیز هواپیماهای پیشرفته سوپر استاندارد و میراژ ۲۰۰۰ در اختیار عراق گذاشتند و روس‌ها نیز مدرن‌ترین هواپیماهای جنگنده و دور پرواز و بلند پرواز و ... را به عراق ارسال کردند. کویت و عربستان، سیل دلارهای خود را به عراق روانه ساختند. آلمانی‌ها مواد لازم برای سلاح شیمیایی در اختیار عراق گذاشتند. با این امکانات، عراق به‌طور وسیع، مناطق مسکونی و جبهه‌ها را بمباران شیمیایی می‌کرد و مجامع بین‌المللی با سکوت خود، این جنایات را تأیید کردند. در نتیجه، جنگ از حالت طبیعی خود خارج و به یک نسل‌کشی گسترده و بدون هیچ‌گونه ملاحظات اخلاقی، انسانی، حقوقی تبدیل شده بود. از سوی دیگر، تحریم‌های همه‌جانبه و شدید بین‌المللی، فشارهای بسیار زیادی در زمینه اقتصادی، نظامی و ... بر مردم و مسئولین ایران وارد کرد. در چنین شرایطی، ایران با پی‌بردن به عمق توطئه‌ها و گستره عملکرد خصمانه دشمنان و براساس مصلحت نظام جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۶۷ شمسی، به‌طور رسمی قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل را پذیرفت که با این عمل، امیدهای آمریکا برای نابودی انقلاب اسلامی و اضمحلال نظام ایران اسلامی به یأس گشت (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۸).

حمله مجدد عراق به ایران در سال ۱۳۶۷ شمسی

به‌رغم پذیرش قطعنامه از سوی تهران، بغداد برای بهره‌برداری از فضای پیش‌آمده، ضمن به‌کارگیری ۱۳ لشکر، طی دو مرحله مجزا با حمله به مناطق شمال خرمشهر و جنوب اهواز، تلاش گسترده‌ای را جهت تصرف مجدد خرمشهر انجام داد که با حضور چشم‌گیر مردم ایران در جبهه‌ها

و نبرد شدید یگان‌های سپاه پاسداران، از دسترسی به هدف ناکام ماند.

همکاری مشترک منافقین و عراق

به‌رغم تأکیدات حضرت امام (ره) بر تمرکز همه امکانات و نیروهای داخلی بر دفاع همه‌جانبه، تداوم بحران آفرینی سیاسی منافقین در داخل کشور در نخستین ماه‌های آغاز حمله عراق به میهن اسلامی، سرانجام به درگیری مسلحانه آنان با نیروهای انقلاب در خرداد ۱۳۶۰ شمسی منجر شد. امام (ره)، بنی‌صدر را از فرماندهی کل قوا خلع کردند و سرانجام وی به اتفاق رجوی با خلبان پیشین شاه به فرانسه متواری شد و در پی آن سازمان منافقین موجی از ترور و انفجار به امید براندازی نظام جمهوری اسلامی را در سراسر کشور به راه انداخت (درودیان، ۱۳۸۱: ۳۹).

بنی‌صدر و رجوی در پاریس به همراهی تعدادی از گروه‌های ضدانقلاب، گروهی به نام شورای مقاومت ملی را تشکیل دادند و قصد داشتند سازمان خود را با رژیم بعث عراق پیوند دهند (بسطامی، ۱۳۸۱).

پس از ملاقات سرکرده منافقین با طارق عزیز، عراق به عمده‌ترین مرکز فعالیت سازمان منافقین تبدیل شد. منافقین هفده پایگاه در دل خاک عراق و در نزدیکی مناطق مرزی این کشور با ایران برای مقابله با رزمندگان ایران احداث کردند. اصلی‌ترین پایگاه آن‌ها به نام اشرف در ۱۰۰ کیلومتری شمال غربی بغداد واقع شده بود.

عمده فعالیت این گروهک در خلال جنگ تحمیلی هشت ساله را می‌توان اعزام گروه‌هایی برای انجام عملیات‌های ترور و خرابکاری به‌ویژه ترور رزمندگان و فرماندهان نظامی در داخل ایران، جاسوسی از تحرکات نظامی ایران، انجام تبلیغات مسموم از طریق رادیوی اختصاصی این گروه در عراق و نیز شایعه‌سازی برای تحت‌الشعاع قرار دادن حمایت‌های مردمی از جبهه‌ها دانست. نیروهای وابسته به منافقین حضور گسترده‌ای در کنار نیروهای عراقی داشتند و شش مکالمات بی‌سیم و تلفنی نیروهای ایرانی بیشتر از سوی نیروهای این سازمان صورت می‌گرفت (حسینی، ۱۳۷۹: ۱۴).

در اوایل سال ۱۳۶۷ نیروهای سازمان با پشتیبانی ارتش عراق، عملیاتی را با نام آفتاب در منطقه عمومی شوش انجام دادند. پس از آن منافقین با بازسازی قوای خود در قالب ۲۰ تیپ (هر

تیپ به استعداد یک گردان منظم حدود ۱۵۰ نفری) در روز سوم مرداد ۱۳۶۷ شمسی از سمت اسلام‌آباد غرب و کرند به ایران حمله کردند و به داخل خاک ایران پیشروی کردند. در واکنش به این تحرکات منافقین، روز پنج‌شنبه ۶ مرداد ۱۳۶۷ شمسی عملیات مرصاد با رمز یا علی بن ابی‌طالب (ع) از سوی نیروهای ایرانی آغاز شد. در روز جمعه ۷ مرداد ۱۳۶۷ شمسی اعضای این گروهک تروریستی هر آن چه داشتند بر زمین نهاده و به داخل خاک عراق متواری شدند (درویدیان، ۱۳۷۹: ۱۹۱).

بنابراین در پی عکس‌العمل پر قدرت مردم سلحشور ایران در برابر حمله مستقیم عراق، آمریکا و منافقین، دولت عراق نیز در ۱۸ تیر سال ۱۳۶۷ شمسی آتش‌بس را پذیرفت. به این ترتیب، دفتر هشت سال دفاع مقدس بسته شد و نظام جمهوری اسلامی با پشت سر گذاشتن بحران‌های پی‌درپی و مهار طولانی‌ترین و نابرابرترین جنگ قرن بیستم، روز ۱۸ آذر ۱۳۷۰ شمسی طی گزارش دبیر کل سازمان ملل به شورای امنیت بیگانه شناخته شده و دولت عراق رسماً به‌عنوان متجاوز و آغازگر جنگ ۸ ساله علیه ایران اسلامی شناخته شد. این پیروزی شیرین پس از سال‌ها تلاش برای اثبات مظلومیت ملت ایران در برابر تجاوزی آشکار بود که سال‌ها دنیا در برابر آن سکوت اختیار کرده بود (دولت‌شاهی، ۱۳۸۷: ۳۰).

تدابیر حضرت امام (ره) در فرماندهی جنگ

در تمام دوران جنگ تحمیلی، امام خمینی (ره) نقش اول را در دفاع ملت ایران ایفا کرده‌اند. مدیریت و رفتار امام (ره) در این دوران سخت و بحرانی، بسیار راهگشا و اثربخش بوده است. ایشان با هوشیاری تمام، دوران جنگ را تبدیل به فرصتی برای انسجام مردم ایران، تبیین مکتب دفاعی اسلام، دمیدن روحیه مقاومت در بین مردم و نیروهای مسلح تبدیل کردند و توانستند در مجموع حدود دو میلیون نفر از مردم سراسر ایران را برای دفاع از کشور و کمک به نیروهای مسلح بسیج و در طول جنگ به جبهه‌ها اعزام نمایند. تصمیم‌گیری‌های امام در مقاطع مختلف جنگ در پیروزی‌های رزمندگان و موفقیت ایران بسیار مؤثر بود. در نهایت هم ایشان پس از هشت سال مقاومت با تصمیمی شجاعانه توانستند جنگ را در زمان بسیج همه قدرتهای جهانی علیه ایران به پایان برسانند.

رهبر کبیر انقلاب به عنوان فرمانده کل قوا، آنچنان سگان کشتی جنگ را به دست گرفت که هیچ طوفانی نتوانست در مسیر حرکت مشتاقان جهاد و شاگردان و مقلدان خمینی کبیر خللی ایجاد کند.

حضرت امام (ره) با اقتدار و صلابت بی نظیر و موقعیت مرجعیت مذهبی و سیاسی خود توانست محاسبات حسابگران غربی را بر هم زده، در برابر تمام جوسازی‌های تبلیغاتی، پیروزمندانه بایستد و در شرایطی که صدام معدوم به حامیان خود قول داده بود هفته دوم پس از جنگ در تهران نطق پیروزی را ایراد کند، یک جنگ هشت‌ساله را بدون اینکه دشمن متجاوز بتواند به اهداف خود برسد، فرماندهی کند.

امام (ره) چه در جنگ و چه در صلح، همواره به انبیا و اولیای حق نظر دوخته و پیروی از آنان را سیاست خود در رهبری ملت می‌دانست و بر روش‌های پیشنهادی دیگران ترجیح می‌داد. است. الگوپذیری از پیامبران و امامان شیعه، به‌ویژه حضرت حسین بن علی (ع) در دوران دفاع مقدس، به‌روشنی نمودار فرماندهی رهبر انقلاب بوده است.

امام (ره) از همان آغاز جنگ تحمیلی، واکنش‌های ملت ایران در برابر تجاوزگران بعثی را دفاعی و اسلامی تلقی می‌نمود. دعوت رهبری به حضور در جبهه‌ها بر پایه ایمان به خدا و آخرت صورت می‌گرفت و پیکارگری‌شان به‌عنوان یک تکلیف دینی - سیاسی شناخته می‌شد.

حضرت امام (ره) توانستند با فرماندهی مطلوب جنگ، اندیشه دفاعی خود را به بدنه جامعه اسلامی ایران، تزریق نمایند تا از این طریق بتوانند جنگ میان کفر و اسلام را نهادینه کنند و جنگ هشت‌ساله را به‌عنوان ابزار ارتقای وجدان عمومی ملل جهان، خصوصاً دنیای اسلام مطرح نمایند (حائری، ۱۳۸۱: ۲۲).

اندیشه‌های دفاعی حضرت امام (ره) در جریان دفاع مقدس به کرات بیان شده بود که به نمونه‌هایی از آن برای تکمیل این تحقیق پرداخته شده است:

«اگر بنده استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار برند، اگر زنده‌زنده در شعله‌های آتشیان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلو دیدگانمان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه‌ی کفر و شرک را امضا نمی‌کنیم» (امام (ره)، ۶۷/۴/۲۹).

«ملت ایران اگر می‌خواست که صلح آمریکایی بکند، همان اول از آمریکا جدا نمی‌شد و

قطع روابط نمی‌کرد و دستش را از ایران کوتاه نمی‌کرد و جاسوسان او را بیرون نمی‌کرد و امروز هم اگر دستش را به صلح آمریکایی دراز کند، صدام و امثال صدام کنار می‌روند، لکن مستشارهای آمریکایی وارد معرکه می‌شوند. ما نمی‌توانیم صلحی را بپذیریم که طرح آمریکایی دارد و صدام نمی‌تواند بپذیرد آن چیزهایی را که ما می‌خواهیم» (امام (ره)، ۱۳۶۲/۶/۱).

«ما برای میهن عزیزمان تا شهادت یک‌ایک سلحشوران ایران‌زمین مبارزه می‌کنیم و پیروزی ما حتمی است» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۴۳).

«من به همه دولت‌هایی که در جنگ تحمیلی و یورش غیرانسانی به ایران، با دولت کافر بعث همکاری می‌کنند، چه همکاری تبلیغاتی و چه نظامی... اخطار می‌کنم که علاوه بر خذلان الهی و ننگ ابدی از جزای عاجل به دست ملت‌های خود و ارتش نیرومند کشور اسلامی ما غافل نباشید و خود را به هلاکت نکشید» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۶۹).

اعتماد به نفس و خودباوری

از برکات مهم دفاع مقدس، تقویت اعتماد به نفس و خودباوری بوده است. ما در کوران دفاع مقدس به این نتیجه رسیدیم که باید خود را باور کنیم و با تکیه بر توانمندی‌های خود - به ویژه جوانان خداجو - کشور را اداره نماییم. تأثیر این خودباوری، بعد از جنگ در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فناوری‌های نوین دفاعی، نمود فزاینده‌ای داشت.

در جنگ و دفاع مقدس هشت‌ساله به این نتیجه رسیدیم که باید روی پای خود بایستیم و به این خودباوری دست یافتیم که می‌توان سالیان سال علیه تمامی قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها مبارزه کرد.

ماهیت جنگ تحمیلی از دیدگاه حضرت امام (ره)

ماهیت جنگ عراق علیه ایران از دیدگاه امام (ره) دارای سه مشخصه بود:

۱. جنگ اسلام و کفر

«ما حزب بعث عراق را می‌شناسیم و می‌دانیم که این‌ها به اسلام عقیده ندارند و دشمن اسلام‌اند و اسلام را خار راه خویش می‌دانند و صدام حسین این جنگ را بر ملت مسلمان ایران تحمیل کرد. ما کسانی را که از اصول اسلام و قرآن کریم انحراف حاصل می‌کنند و به قتل عام مسلمانان می‌پردازند را مسلمان نمی‌دانیم... و شما - رزمندگان - برای حفظ اسلام دارید جنگ

می‌کنید و صدام برای نابودی اسلام؛ الان اسلام به تمامه در مقابل کفر واقع شده است.» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۵۳).

۲. جنگ حق و باطل

«این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی - انقلابی؛ و ما در مقابل ظلم ایستاده‌ایم» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۲۲۹).

۳. جهاد دفاعی

«ایران برای خدا قیام کرده است، برای خدا ادامه می‌دهد و جز دفاع، جنگ ابتدایی با هیچ‌کس نخواهد کرد» (صحیفه امام، ۱۳۷۸: ۶۸).

بحث و تجزیه و تحلیل

جنگ‌های ایران و روسیه یکی از حماسه‌سازی‌های مردم با تکیه بر حمایت‌های علمای مذهبی علیه روس‌ها بود. آنچه از جنگ‌های ایران و روس مشخص می‌گردد، آن است که فتحعلی‌شاه برای دفاع از کشور و مقابله با روس‌ها به مراجع و علمای مذهبی و همچنین نیروهای مردمی ایلات و عشایر متوسل گردید. علما و مراجع تقلید با توجه به نیازهای جنگ به نیروهای مردمی و پشتیبانی بیشتر از جبهه‌های جنگ، به صدور حکم جهاد پرداختند. بدین جهت مراجع در مساجد و منابر، عموم مردم را موعظه نموده و مردم را برای صیانت از کشور اسلامی به مبارزه با روس‌ها ترغیب می‌نمودند. در دفاع مقدس نیز مردم متدین ایران اسلامی با هدایت و راهنمایی علما به‌خصوص امام (ره) ثابت کردند با اراده متکی به ایمان و انگیزه الهی و با حفظ وحدت و انسجام درونی و همبستگی ملی، می‌توان سرنوشت خویش را تغییر داد و به پیروزی رسیدند. حتی با تدابیر امام (ره) حضور در جبهه‌ها واجب کفایی اعلام شده بود و حکم جهادی در کار نبود.

علت ناکامی ایران در جنگ دوم ایران و روس، ریشه در دو عامل داخلی و خارجی داشت: از نظر خارجی تکیه شاه و دولتمردان ایرانی بر بیگانگان، به ویژه انگلستان به‌جای اعتماد به مردم و بهره‌برداری مناسب از روحیه مذهبی آن‌ها بود. انگلیس و فرانسه تا هنگامی که خود درگیر جنگ با روسیه بودند، با وعده‌های دروغین قراردادهایی با ایران منعقد کردند که به ضرر ایران تمام شد. هرگاه نیاز به پشتیبانی ابرقدرت‌های آن زمان بود، شانه خالی کرده و حتی به دشمن ایران نیز

کمک کردند. ایران از نظر قدرت‌های خارجی تا وقتی اهمیت داشت که می‌توانست جبهه‌ای در برابر حریف روسی بگشاید و بخش قابل توجهی از نیروهای آن را مشغول دارد. هرگاه یک قدرت اروپایی از ناحیه روسیه احساس خطر می‌کرد، از ایران به‌عنوان نیرویی جهت خنثی‌ساختن یا کم‌اثر کردن آن خطر استفاده می‌کرد و هرگاه خطر رفع می‌شد، ایران را به حال خود رها می‌کردند. این سیاست بارها و بارها اتفاق افتاد، اما کمتر کسی از رجال دوره قاجار بود که از آن درس عبرت بگیرد. ولی حضرت امام (ره) در اوایل انقلاب، موضوع مهم نه شرقی و نه غربی را اعلام فرمودند و ملت در همه زمینه‌ها روی پای خود ایستاد و نتیجه عدم وابستگی را دید و به پیروزی بدون اتکا به قدرت‌های خارجی دست پیدا کرد.

در زمینه داخلی، با وجود آن همه شجاعت نیروهای بومی و حضور و همکاری علما اگر دولت ایران تلاش خود را صرف سرمایه‌گذاری در بسیج عمومی و تقویت ارتش می‌کرد، موفقیت‌های بسیاری به دست می‌آورد. چرا که مهم‌ترین نقطه ضعف داخلی ایران وضع ارتش بود؛ در آن زمان ارتش منظمی وجود نداشت. خوانین که هر کدام بر ایل خود حکومت می‌کردند، وظیفه داشتند به هنگام جنگ نیروهایی را در اختیار حکومت مرکزی قرار دهند که اغلب این نیروها آموزش ندیده و پراکنده بودند. روس‌ها نیز به‌خوبی خلاء نیروها در منطقه را احساس نموده و دست به حملات می‌زدند. همچنین نیروی نظامی ایران فاقد سلاح‌های پیشرفته و مدرن بود و نتوانست در مقابل قدرت نظامی روس‌ها ایستادگی نماید. البته در آغاز انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس نیز وضع کشور از نظر سیاسی، اقتصادی و نظامی خیلی بدتر از زمان جنگ دوم روسیه با ایران بود. حتی ایران آمادگی ذهنی و عملی برای ورود به جنگ را هم نداشت و در نتیجه انقلاب و بحران‌های زیادی که در کشور به وجود آمده بود، هنوز توان نظامی ارتش بازسازی نشده بود؛ خصوصاً که خیلی از سران ارتش فرار کرده و در نتیجه ماجرای کودتای نوژه هم به ارتش صدماتی زیادی خورده بود. لذا کشور در آغاز حمله سراسری عراق دارای توان نظامی مناسب برای دفاع نبود و از سوی دیگر به علت بحران‌هایی که در خوزستان و کردستان و مناطق دیگر روی داده بود و همچنین با حرکات ضدانقلاب در نقاط مختلف کشور، اوضاع عمومی کشور چندان مناسب و آرام نبود و رژیم عراق برای پیشروی در خاک ایران از آن شرایط بهره‌برداری کافی را کرد.

در جنگ دوم ایران با روس، جنگ به ایران تحمیل نشد و برای آزادسازی سرزمین‌های جنگ اول روسیه علیه ایران و بدرفتاری روس‌ها با مردم، فتحعلی‌شاه مجلسی از رجال، اعیان، روحانیان، سرداران، سران ایلات و عشایر را تشکیل داد تا درباره صلح یا ادامه جنگ با روسیه به مشورت بپردازند. اما در دفاع مقدس جنگ به ایران اسلامی تحمیل شد؛ ولی تحمیل جنگ هرگز نتوانست نظام را مجبور به تسلیم کند.

در جنگ دوم ایران و روس، فقط علما و مردم با عشق به خدا و دفاع از سرزمین خود می‌جنگیدند، ولی درباریان به عشق جاه و مقام و ثروت و گستراندن هرچه بیش‌تر حکومت خود می‌جنگیدند و این دوگانگی در سپاه ایران باعث شکست‌ها و عقب‌نشینی‌های متعدد شد. اما انگیزه همه رزمندگان ایران اسلامی در دفاع مقدس، انگیزه‌های مادی نبود؛ بلکه آنان تنها برای رضای الهی پا به عرصه خطر می‌نهادند. همین عنصر، علت پیروزی آن‌ها در هشت سال دفاع مقدس به شمار می‌آید.

در جنگ دوم ایران و روس، دشمن از سلاح‌های متعارف آن زمان استفاده می‌کرد، ولی در جنگ عراق علیه ایران، عراق علاوه بر پیشرفته‌ترین سلاح‌های اهدایی ابرقدرت‌ها، از سلاح‌های غیرمتعارف مانند گازهای شیمیایی استفاده کرد که هر مرحله استفاده از آن می‌توانست قوی‌ترین کشورها را به زانو درآورد.

در جنگ دوم ایران و روس، فقط یک کشور به نام روسیه در برابر ایران قرار داشت، ولی در دفاع مقدس در یک سوی این جنگ رزمندگانی قرار داشتند که با کمترین امکانات در مقابل همه جهان به مقاومت ایستادند.

در جنگ دوم ایران و روس، نفوذ معنوی علما در مردم، آن‌ها را برای جنگ با روس بسیج می‌کرد و حمایت مردم از این جنگ، شگفت‌انگیز بود. در دفاع مقدس این روح معنوی امام (ره) بود که جمعیت کثیری را به عرصه جنگ می‌آورد، ولی با این تفاوت که رزمندگان امام (ره) فقط و فقط برای انجام تکلیف می‌جنگیدند و همین امر باعث شد با توجه به شکست‌های مکرر هیچ رزمنده‌ای جبهه‌های جنگ را ترک نکند تا زمانی که امام و مقتدا پایان جنگ را اعلام کردند. اما در جنگ ایران و روس، مردم برای کسب نتیجه آمده بودند و باعث شد بعد از شکست، صحنه جنگ را ترک کنند و ننگ دیگری به ننگ‌های گذشته اضافه نمایند.

محققین می‌گویند که در جنگ دوم روسیه علیه ایران، علی‌رغم جان‌فشانی ایرانیان در قفقاز و آذربایجان، ناکارآمدی دربار قاجار و خیانت دولتمردان وابسته، شکست‌های سختی را به ملت مقاوم ایران تحمیل کرد. در صورتی که اگر تاریخ انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس را مرور کنید خیانت‌های روزانه را توسط منافقین، سلطنت‌طلبان، احزاب سیاسی معارض و معاند و ... را می‌توان به آسانی احساس کرد و حتی خیانت دولتمردان اول انقلاب و جنگ می‌توانست به راحتی موجب جدایی خوزستان از ایران و حتی سقوط نظام اسلامی شود، ولی رزمندگان با تمام آن شرایط حتی یک قدم عقب هم نگذاشتند.

در دفاع مقدس مهم‌ترین عاملی که وجود داشت و عامل پیوند و انسجام روزافزون مردم می‌شد، رهبری و فرماندهی حضرت امام (ره) بود که حلقه اتحاد مردم حول رهبری ایشان را روز به روز تنگ‌تر می‌کرد؛ ولی در جنگ دوم ایران و روس با اینکه علمایی مانند سید محمد مجاهد (اصفهانی) در جنگ حضور داشتند، آن پیوند و انسجام و وحدت به چشم نمی‌خورد.

امام در دفاع مقدس با رهبری قاطع خویش، بسیج امکانات برای ادامه جنگ تا رسیدن به نتیجه‌ای قابل قبول را تقویت و تثبیت کردند، ولی یکی از علت‌های شکست ایران در برابر روسیه علاوه بر اینکه فتحعلی شاه، عباس میرزا را رقیب احتمالی خود برای سلطنت می‌دانست؛ نگران بود که مبادا عباس میرزا بیش از حد قدرت یابد و به مدعی تاج و تخت سلطنتی تبدیل شود. به همین سبب او هرگز مسئولیت اصلی تأمین بودجه جنگ‌های ایران و روسیه را نپذیرفت و زمینه را برای رقابت میان شاهزادگان فراهم کرد تا جاه‌طلبی‌های عباس میرزا را مهار کند و همین دیدگاه باعث عدم بسیج امکانات در جنگ بوده است.

ویژگی ارزشمندی که خداوند به ملت ایران اسلامی داده بود و این ویژگی در زمان جنگ دوم ایران و روس وجود نداشت، فرماندهی، استقامت و هوشیاری امام (ره) در هدایت مجموعه تشکیلات درگیر در دفاع مقدس است. وقتی آن بزرگوار مطلبی را می‌فرمود و یا دستوری صادر می‌نمودند، از بالاترین رده‌های فرماندهی تا آن فرد بسیجی فاقد هرگونه ادعا، از دل و جان و از روی اعتقاد به دنبال انجام این دستور می‌رفتند و در این راه سر و جان می‌باختند. بسیار اتفاق می‌افتاد که پیام امام (ره) مانند «حصار آبادان باید شکسته شود»، «جزایر باید حفظ شود»، یاد امام و وعده دیدار آن بزرگوار، باعث نجات از تنگناها شده و با ایجاد تحول در روحیه‌ها، سرنوشت

عملیات را به نفع نیروهای ایران اسلامی تغییر می‌داد.

رابطه قلبی امام (ره) با نیروهای تحت امرش، حتی با اسارت برخی از نیروهایش هرگز گسسته نشد. آنان هرگز به فرمانده‌شان خیانت نکردند و با نام و یاد او چندین سال در زندان‌های مخوف رژیم بعث عراق سخت‌ترین روزهای زندگی خود را سپری کردند و ذره‌ای از ارادت خود به ایشان کاسته نشد؛ اما در جنگ دوم ایران و روس این رابطه قلبی فقط بین معدودی از مردم و علما وجود داشت و مردم با درباریان این ارتباط را نداشتند.

یکی از خصوصیات فرماندهی حضرت امام (ره) نسبت به مردم، خودباوری در توانستن و مقاومت در برابر دنیای مستکبران بود. جنگ نابرابری که در یک طرف، ملت محاصره‌شده ایران قرار داشت و در طرف دیگر، کشور بعث عراق با بهره‌مندی از حمایت‌های سیاسی، مالی، تجهیزاتی و اطلاعاتی قدرت‌های منطقه‌ای، فرمانطقه‌ای و سازمان‌های مؤثر بین‌المللی؛ در نهایت به پیروزی ایرانیان ختم شد. این پیروزی که در پرتو قدرت ایمان حاصل آمد، ملت ایران را به این باور رساند که ما «می‌توانیم». «خودباوری» ملت ایران که ره‌آورد پایدار دوران دفاع مقدس است، با تجلی در اندیشه و عمل «ما می‌توانیم»، در طول نزدیک به دو دهه پس از جنگ، آثار و برکاتش هر روز ظاهر و آشکار می‌گردد. اگر امروز به فرمایش دلنشین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، آهنگ خوش پیشرفت و عزت ملی در کشور شنیده می‌شود، این وضعیت ریشه در همان خودباوری دوران دفاع مقدس دارد.

امام بزرگوارمان فرمودند که در جنگ بود که یاد گرفتیم باید روی پای خود بایستیم؛ و حقیقتاً روی پای خود ایستادیم و بر خدا توکل کردیم و از این رهگذر به خودباوری رسیدیم و اگر امروز می‌گوییم برای انجام هر کاری قادر و توانا هستیم و از کشورهای پیشرفته چیزی کم نداریم، این وضعیت به دست آمده را که نعمتی بس بزرگ است، به‌عنوان ره‌آورد دوران دفاع مقدس باید پاس داشته و به نسل‌های بعد منتقل کرد.

فرماندهی جنگ به دست امام، دنیا را به واکنش واداشته و تمام امکانات لجستیکی، نظامی، ماهواره‌ای، اقتصادی، تبلیغاتی و ... در مقابل یک مرد ایستادگی کرد؛ چرا که دنیا بر این باور بود که این جنگ با فرماندهی عارفی دل‌سوخته تمام معادلات جهانی بر هم می‌زند.

اگر تاریخ انقلاب اسلامی را با تاریخ ایران در طول دو‌یست سال اخیر مقایسه کنیم، می‌بینیم

هرگاه دشمنانی به مراتب ضعیف‌تر از صدام، در دوران‌هایی که دولت‌های ایران به مراتب قوی‌تر از دولت جمهوری اسلامی بودند به ما حمله کردند، بخش‌هایی از میهن جدا شده است. مورخین می‌گویند: عامل اصلی شکست در جنگ دوم روسیه و ایران، احساس بی‌نیازی عباس میرزا و درباریان از علما و مجتهدان شرکت‌کننده در جنگ بود. عباس میرزا و درباریان در مرحله نخست جنگ دوم، پس از آنکه سپاه ایران به پیروزی‌های چشم‌گیری دست یافت، خود را از حضور و نقش‌آفرینی علما بی‌نیاز احساس کردند و برای اینکه پیروزی به نام علما تمام نشود، در فتح قلعه شوشی خیانت و یا سهل‌انگاری کردند و سپاه روس به پیروزی دست یافت. وقتی علما به ویژه سید مجاهد از این دسیسه آگاه شدند و اعتراض کردند، حمله سازمان‌یافته خود را علیه آن‌ها شروع کردند و آن‌ها را عامل شکست شناسانند؛ و این حرکت شوم بیشترین گسست بین مردم به رهبری علما و حکومت را پدید آورد و سپاه ایران را از نیروی زاینده و بالنده مردمی بی‌بهره ساخت. در زمان دفاع مقدس هم این اتفاق‌ها توسط بنی‌صدر رخ داد و منافقین هم حمله سازمان‌یافته خود را علیه نیروهای انقلاب و علما شروع کردند، ولی مردم به تبعیت از علما به‌خصوص حضرت امام (ره) حتی یک قدم عقب‌نشستند و شهدای زیادی نیز تقدیم کردند و خداوند به پاس این استقامت در دفاع مقدس به آن‌ها پیروزی‌های خیره‌کننده پس از گذشت یک سال از این وقایع داد و در فاصله‌ای کمتر از ۹ ماه اکثر اراضی، شهرها و روستاهای اشغال‌شده از عراق بازپس گرفته شد.

عباس میرزا در اواخر جنگ، تنها به پایان‌یافتن جنگ و به رسمیت شناخته شدن ولیعهدی خود از جانب روس‌ها فکر می‌کرد؛ چنان‌که در انعقاد قرارداد ترکمانچای و واگذاری همه مناطق قفقاز به روس‌ها هیچ تردیدی به خود راه نداد.

حکومت قاجار همیشه به پشتیبانی انگلیس و فرانسه نظر داشت، ولی حضرت امام (ره) چه در جنگ و چه در صلح، همواره به انبیا و اولیای حق نظر دوخته و پیروی از آنان را سیاست خود در رهبری ملت می‌دانست و بر روش‌های پیشنهادی دیگران ترجیح می‌داده است. الگوپذیری از پیامبران و امامان شیعه، به‌ویژه حضرت حسین بن علی (ع) در دوران دفاع مقدس، به روشنی نمودار فرماندهی رهبر انقلاب بوده است.

در جنگ دوم ایران و روسیه، قریب به یک‌صد و شصت هزار کیلومتر مربع از اراضی

حاصلخیز و پرجمعیت ایران که در قفقاز واقع بود از دست رفت و طی قرارداد ترکمانچای، خانات ایروان، مناطق اردوباد و بخشی از مغان و شروان، نخجوان و دو سوم تالش از ایران جدا شد. ولی در دفاع مقدس یک سانتیمتر از خاک کشور از دست نرفت.

امام راحل (ره) فرماندهی بود که با آغاز عملیات در کنار دست دعا برداشتن برای پیروزی و فتح نیروهایش، لحظه‌ای از فکر آن غفلت نمی‌کرد و با ارسال پیام به آنان، با تکبیر نیروهایش هم‌نوایی می‌کرد و آنان را تا رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده همراهی می‌کرد.

جدول مقایسه‌ای مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه

ردیف	مؤلفه	جنگ دوم ایران و روس	دفاع مقدس
۱	توکل	انکا حکومت قاجار به پشتیبانی ابرقدرت‌ها از جمله انگلیس و فرانسه	توکل حضرت امام (ره) همواره به خدا و انبیا و اولیای حق بود
۲	هدایت و رهبری	بی‌لیاقتی حاکمان وقت	رهبری و فرماندهی مدبرانه و هوشمندانه حضرت امام (ره)
۳	خودباوری و اعتماد به نفس	عدم اعتماد به نفس و خودباوری مردم ایران	اعتماد به نفس و خودباوری مردم ایران و تقویت باور «ما می‌توانیم» در بین مردم
۴	امضای معاهده	معاهده ننگین ترکمانچای در سال ۱۸۲۸ میلادی	معاهده‌ای تحمیل نشد
۵	سقوط و جدا شدن شهرها	منطقه قفقاز، خانات ایروان، مناطق اردوباد و بخشی از مغان و شروان، نخجوان و دو سوم تالش از ایران جدا شد	شهری از ایران جدا نشد
۶	اعتماد نظام حاکم	اعتماد شاه و دولتمردان ایرانی بر بیگانگان، به ویژه انگلستان	اعتماد به نیروهای مردمی و بهره‌برداری مناسب از روحیه مذهبی آن‌ها

بررسی تحلیلی مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه

۷	وحدت و همدلی	خیانت و سهل‌انگاری فرماندهان جنگ، خان‌های منطقه و حکام نواحی	همدلی مردم و مسئولین و فرماندهان جنگ
۸	از دست رفتن بخشی از سرزمین	قریب به یک‌صد و شصت هزار کیلومتر مربع از اراضی حاصلخیز و پرجمعیت ایران از ایران جدا شد	یک سانتیمتر از خاک کشور از دست نرفت
۹	نقش علما در رویارویی با دشمن	صدور فتوای جهاد و ترغیب مردم به مبارزه با روس‌ها	هدایت و راهنمایی مردم توسط علما به خصوص امام (ره) برای دفاع از کشور و انقلاب به صورت واجب کفایی بدون صدور حکم جهاد
۱۰	نقش مردم در رویارویی با دشمن	بسیج مردمی توسط علما و به خدمت گرفتن ایلات و عشایر	حضور مردم با اراده متکی به ایمان و انگیزه الهی و با حفظ وحدت و انسجام درونی و همبستگی ملی در جبهه‌های حق علیه باطل (حضور حدود دو میلیون نفر از مردم در جنگ)
۱۱	ارتباط علما و نظام حاکم	احساس بی‌نیازی درباریان از علما و مجتهدان و حذف آن‌ها از صحنه جنگ	مسئولین و فرماندهان همواره علما و روحانیون را باور داشتند و نقش روحیه‌بخشی و انگیزه‌بخشی آن‌ها را در صحنه جنگ ضروری می‌دانستند
۱۲	فریب خوردن و در دام افتادن	فتحعلی شاه در دام انگلیسی‌ها افتاد	حضرت امام فریب بنی‌صدر و منافقین را نخورد
۱۳	شناخت دشمن	عدم برآورد توان و نیروی سپاه دشمن	برآورد دقیقی به لحاظ عده و عده از دشمن داشتند
۱۴	وضعیت ارتش	فقدان ارتش منظم و بدون تجهیزات و سلاح‌های پیشرفته و	در ابتدای جنگ وضع نظامی کشور بد بود و توان نظامی

	مدرن		ارتش بازسازی نشده بود، خیلی از سران ارتش فرار کرده و ارتش صدماتی زیادی دیده بود؛ ولی به مرور این وضعیت درست شد و ارتش و سپاه تا پایان جنگ به امام و انقلاب وفادار، مؤمن و متعهد بودند.
۱۵	ضعف و بی‌تدبیری‌های عباس‌میرزا	تدبیر و درایت فرماندهان	تدبیر و درایت درست فرماندهان در صحنه جنگ
۱۶	خودرأیی و استبداد عباس‌میرزا	مشورت و همفکری فرماندهان	همفکری و مشورت فرماندهان با مسئولین و نیروهای متخصص
۱۷	دسیسه دولت انگلیس و دخالت جاسوسان آن کشور	دخالت بیگانگان	عدم اجازه به بیگانگان به دخالت در امور سیاسی و نظامی
۱۸	جاسوسی شماری از غیرمسلمانان منطقه برای دولت روس	خیانت و جاسوسی به نفع بیگانگان	خیانت‌های منافقین، سلطنت‌طلبان، احزاب سیاسی معارض و معاند و دولتمردان اول انقلاب و جنگ
۱۹	عباس‌میرزا در قبال به رسمیت شناخته شدن ولیعهدی خود، معاهده ننگین ترکمانچای را پذیرفت	ترجیح منافع شخصی به منافع ملی	منافع ملی در اولویت بود و هیچ‌کس به منافع شخصی فکر نمی‌کرد
۲۰	عدم رسیدگی به امور نظامیان و عدم پشتیبانی از جنگ به خاطر غرض‌ورزی درباریان و کارگزاران با عباس‌میرزا	بسیج امکانات و پشتیبانی از جنگ و نظامیان توسط نظام حاکم	حضرت امام (ره) با رهبری قاطع خویش، جنگ را اولویت اول کشور می‌دانستند و همه امکانات را برای پشتیبانی همه‌جانبه از جنگ بسیج کرده بودند
۲۱	خصومت درباریان و برادران عباس‌میرزا با وی	اتحاد و همدلی در بین درباریان	با هدایت حضرت امام (ره)، وحدت و همدلی در بین مسئولین موج می‌زد

بررسی تحلیلی مهم‌ترین عوامل پیروزی دفاع مقدس در مقایسه با جنگ دوم ایران و روسیه

۲۲	تغییر و جابجایی در فرماندهی نیروهای نظامی	عدم تغییر در فرماندهی قوای نظامی به رغم خیانت‌های عباس میرزا	تغییر در فرماندهی کل قوا به واسطه اثبات خیانت بنی صدر
۲۳	تنبیه متجاوز	فرصتی برای تنبیه روسیه به‌عنوان متجاوز پیش نیامد	ایران با انجام سلسله عملیات‌هایی در داخل خاک عراق و تصرف شهر فاو درصدد تنبیه متجاوز برآمد
۲۴	انسجام مردم	عدم پیوند و انسجام و وحدت در بین مردم	انسجام و اتحاد مردم حول رهبری و فرماندهی حضرت امام (ره)
۲۵	تمسک به مکتب دفاعی اسلام	عدم پیروی از مکتب دفاعی اسلام	پیروی از مکتب دفاعی اسلام
۲۶	روحیه مقاومت	عدم وجود روحیه مقاومت در بین مردم و قوای نظامی	وجود روحیه مقاومت در بین مردم و نیروهای مسلح
۲۷	الگوپذیری و تبعیت‌پذیری نظام حاکم در جنگ	عدم وجود الگوی مناسب برای نظام حاکم در پیشبرد جنگ	الگوپذیری از پیامبران و امامان شیعه، به‌ویژه حضرت حسین بن علی (ع) در دوران دفاع مقدس
۲۸	مبنای دعوت از مردم برای حضور در جنگ و جبهه‌ها	دعوت درباریان از مردم به حضور در جبهه‌ها، برای کسب فتوحات و به دست آوردن غنائم صورت می‌گرفت	دعوت رهبری از مردم به حضور در جبهه‌ها، بر پایه ایمان به خدا و آخرت صورت می‌گرفت
۲۹	نگرش حاکمان، علما و مردم نسبت به حضور در جنگ	علما و مردم با عشق به خدا و دفاع از سرزمین خود می‌جنگیدند و مردم بیشتر برای کسب نتیجه آمده بودند، ولی درباریان به عشق جاه و مقام و ثروت و گستراندن هرچه بیشتر حکومت خود می‌جنگیدند	انگیزه علما و مردم مادی نبود و برای رضای الهی پا به عرصه خطر می‌نهادند و حضور در جنگ به‌عنوان یک تکلیف دینی - سیاسی شناخته می‌شد.

عراق علاوه بر استفاده از پیشرفته‌ترین سلاح‌های اهدایی ابرقدرت‌ها، از سلاح‌های غیرمعارف مانند گازهای شیمیایی استفاده کرد.	استفاده دشمن از سلاح‌های متعارف	نوع سلاح‌های بکار رفته	۳۰
همه جهان در مقابل ایران قرار داشتند	فقط یک کشور به نام روسیه در برابر ایران قرار داشت	کشورهای طرف جنگ	۳۱
رابطه قلبی حضرت امام (ره) با نیروهای تحت امرش	ارتباطی بین مردم با درباریان وجود نداشت	ارتباط مردم با درباریان	۳۲

نتیجه‌گیری:

از برکات مهم دفاع مقدس، تقویت اعتمادبه‌نفس و خودباوری بوده است. ما در کوران دفاع مقدس به این نتیجه رسیدیم که باید خود را باور کنیم و با تکیه بر توانمندی‌های خود - به‌ویژه جوانان خداجو - کشور را اداره نماییم. تأثیر این خودباوری، بعد از جنگ در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و فناوری‌های نوین دفاعی، نمود فزاینده‌ای داشت. دفاع مقدس به رغم همه مشکلات و نامایمات، انقلاب نوپای اسلامی را بیمه و بسیاری از حقوق مسلم ایران را تأمین نمود. همچنین این مقاومت ضمن تضمین استقلال و تمامیت ارضی کشور، به مظلومان و مستضعفان جهان درس مقاومت در مقابل استکبار جهانی را داد. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که توکل به خدا به جای اتکا به ابرقدرت‌ها، رهبری و فرماندهی حضرت امام (ره) و خودباوری مردم ایران به‌عنوان مهم‌ترین عوامل پیروزی در دفاع مقدس به شمار می‌آیند و این مهم باعث شده است که استکبار جهانی در مقطع کنونی برای عدم تهاجم، سخت از توکل به خدا، رهبری و فرماندهی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و خودباوری مردم به‌شدت وحشت و هراس دارد.

حضرت امام (ره) با اقتدار و صلابت بی‌نظیر و موقعیت مرجعیت مذهبی و سیاسی خود توانست محاسبات حسابگران غربی را بر هم زده، در برابر تمام جوسازی‌های تبلیغاتی، پیروزمندانه بایستد.

امام (ره) چه در جنگ و چه در صلح، همواره به انبیا و اولیای حق نظر دوخته و پیروی از آنان را سیاست خود در رهبری ملت می‌دانست و بر روش‌های پیشنهادی دیگران ترجیح می‌داده است. الگوپذیری از پیامبران و امامان شیعه، به ویژه حضرت حسین بن علی (ع) در دوران دفاع مقدس، به روشنی نمودار فرماندهی رهبر انقلاب بوده است.

امام (ره) از همان آغاز جنگ تحمیلی، واکنش‌های ملت ایران در برابر تجاوزگران بعثی را دفاعی و اسلامی تلقی می‌نمود. دعوت رهبری به حضور در جبهه‌ها، بر پایه ایمان به خدا و آخرت صورت می‌گرفت و پیکارگری‌شان به‌عنوان یک تکلیف دینی - سیاسی شناخته می‌شد. در دفاع مقدس به جای اتکا به ابرقدرت‌ها، توکل حضرت امام (ره) و رزمندگان به خدا بود؛ ولی در جنگ دوم ایران و روسیه حکومت قاجار همیشه دل به حمایت و پشتیبانی‌های استکبار و طواغیت دوخته بود که این موضوع این پیام را دارد که تکیه به قدرت لایزال الهی همیشه پیروزی به دنبال دارد و بالعکس تکیه به غیر خدا نتیجه شومی جز شکست و ذلت چیزی در پی نخواهد داشت.

از بررسی دو جنگ این نتیجه حاصل شد که با اراده متکی به ایمان و انگیزه الهی و با حفظ وحدت و انسجام درونی و همبستگی ملی، می‌توان بر سرسخت‌ترین دشمنان فائق آمد و سرنوشت خویش را تغییر داده و به پیروزی رسید.

دفاع مقدس، ملت ایران را به این باور رساند که ما «می‌توانیم». «خودباوری» ملت ایران که ره‌آورد پایدار دوران دفاع مقدس است، با تجلی در اندیشه و عمل «ما می‌توانیم»، در طول نزدیک به دو دهه پس از جنگ، آثار و برکاتش هر روز ظاهر و آشکار می‌گردد، اگر امروز به فرمایش دلنشین رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، آهنگ خوش پیشرفت و عزت ملی در کشور شنیده می‌شود، این وضعیت ریشه در همان خودباوری دوران دفاع مقدس دارد.

امام بزرگوارمان فرمودند که در جنگ بود که یاد گرفتیم باید روی پای خود بایستیم؛ و حقیقتاً روی پای خود ایستادیم و بر خدا توکل کردیم و از این رهگذر به خودباوری رسیدیم و اگر امروز می‌گوییم برای انجام هر کاری قادر و توانا هستیم و از کشورهای پیشرفته چیزی کم نداریم، این وضعیت به‌دست آمده را که نعمتی بس بزرگ است، به‌عنوان ره‌آورد دوران دفاع

مقدس باید پاس داشته و به نسل‌های بعد منتقل کرد.

بررسی تحلیلی این دو جنگ نشان داد که برای پیروزی و غلبه بر دشمنان باید قوی شویم و به‌جای چشم‌داشتن به بیرون باید به داخل نظر داشته باشیم و ظرفیت‌ها و استعداد‌های داخلی را ببینیم و بشناسیم و از ظرفیت‌های مردمی و جوانان به بهترین شکل ممکن بهره‌برداری کنیم.

منابع:

- ۱- اجلالی، فرزاد (۱۳۷۳). بنیان حکومت قاجار: نظام سیاسی ایلی و دیوانسالاری مدرن، تهران: نشرنی.
- ۲- افشار یزدی، محمود (۱۳۵۸). سیاست اروپا در ایران؛ ترجمه سید ضیاءالدین دهشیری، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- ۳- امین ریاحی، محمد (۱۳۷۸). تاریخ خوی، تهران: طرح نو.
- ۴- امینی، علیرضا؛ حبیب‌الله ابوالحسن شیرازی (۱۳۸۲). تحولات سیاسی اجتماعی ایران از قاجار تا رضاشاه (۱۲۹۰ هـ - ق - ۱۳۲۰ هـ - ش)، تهران: نشر قوس.
- ۵- انصاری، میرزا مسعود (۱۳۴۹). سفرنامه خسرو میرزا به پترزبورگ، به تصحیح فرهاد میرزا معتمدالدوله، تهران: کتابخانه مستوفی.
- ۶- آهنگران، امیر (۱۳۸۸). علل ناکامی فتحعلی‌شاه قاجار در جنگ‌های ایران و روس: (نبردهای قفقازیه)، مجله علوم سیاسی، تاریخ روابط خارجی، شماره ۴۱.
- ۷- بامداد، مهدی (۱۳۷۱)، شرح حال رجال ایران، جلد ۶، تهران: زوار.
- ۸- بسطامی، رضا (۱۳۸۱). نقش سازمان مجاهدین خلق (منافقین) در جنگ ایران و عراق، فصلنامه نگین، سال اول، شماره ۳.
- ۹- بشارتی، علی محمد (۱۳۸۱). علل وقوع جنگ تحمیلی و عدم پذیرش آتش‌بس، حضور، شماره ۴۲.
- ۱۰- بنی سلیمی، صادق (۱۳۸۲). براندازی با پروژه جنگ تحمیلی، پگاه حوزه، شماره ۱۰۴.
- ۱۱- بی‌نا. (۱۳۸۸). آیا می‌شد از وقوع جنگ جلوگیری کرد؟ امتداد، شماره ۴۴.
- ۱۲- پارسا دوست، منوچهر (۱۳۶۵). زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۱۳- پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع) (۱۳۷۶). مجله سیاست دفاعی، سال پنجم، شماره ۳.

- ۱۴- پناهی سمنانی. (۱۳۷۶). قائم مقام فراهانی، چهره درخشان ادب و سیاست، تهران: نشر ندا.
- ۱۵- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۶۷). اختلافات مرزی ایران و عراق، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- ۱۶- حائری، سارا (۱۳۸۱). بسترهای پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸، شمیم یاس، پیش‌شماره ۱۳.
- ۱۷- حسینی، جمال (۱۳۷۹). حملات تهران علیه مخالفان در عراق، نگاه، سال اول شماره ۳.
- ۱۸- حیدری، اصغر (۱۳۸۱). طوفان در آذربایجان، تبریز: احرار.
- ۱۹- درودیان، محمد (۱۳۷۷). خونین‌شهر تا خرم‌شهر، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران.
- ۲۰- درودیان، محمد (۱۳۷۶). سیری در جنگ ایران و عراق از آغاز تا پایان، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۲۱- درودیان، محمد (۱۳۷۲). از خونین‌شهر تا خرم‌شهر، تهران: چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۲- درودیان، محمد (۱۳۷۶). آغاز تا پایان، تهران: چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۳- درودیان، محمد (۱۳۷۸). جنگ؛ بازیابی ثبات، تهران: چاپ اول، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۴- درودیان، محمد (۱۳۷۹). پایان جنگ، بررسی و تحلیل رویدادهای سیاسی - نظامی جنگ از عملیات والفجر ۱۰ تا اشغال کویت، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۵- درودیان، محمد (۱۳۸۱). آغاز تا پایان، بررسی وقایع سیاسی نظامی جنگ از زمینه‌سازی تهاجم عراق تا آتش‌بس، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
- ۲۶- دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳). مآثر سلطانیه، تصحیح: غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: روزنامه ایران.

- ۲۷- دولتشاهی، بابک (۱۳۸۷). پایانی بر سایه تلخ سکوت، امید انقلاب، شماره ۳۹۶.
- ۲۸- ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۸۰). نراقی در جنگ ایران و روس، حوزه، شماره ۱۰۷ و ۱۰۸.
- ۲۹- زکی، حفیظ الله (۱۳۸۰). سالروز پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، گلبرگ، شماره ۳۱.
- ۳۰- سپهر، میرزا محمدتقی (۱۳۳۷). ناسخ التواریخ، دوره کامل قاجاریه، تصحیح جهانگیر قائم‌مقامی. تهران: امیرکبیر.
- ۳۱- سخنرانی امام (ره) در تاریخ ۱۳۶۲/۶/۱.
- ۳۲- سخنرانی امام (ره) در تاریخ ۱۳۶۷/۴/۲۹.
- ۳۳- شمسایی، فرزانه (۱۳۹۰). یک تراژدی مداوم، ویژه‌نامه روزنامه جام جم، شماره ۷۳.
- ۳۴- شمیم، علی‌اصغر (۱۳۸۴). ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: مدبر.
- ۳۵- صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۱۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۶- صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۱۵، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۷- صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۱۶، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۸- صحیفه امام، (۱۳۷۸). مجموعه آثار امام خمینی، جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۳۹- طباطبایی، غلامرضا (۱۳۷۳). معاهدات و قراردادهای تاریخی در دوره قاجاریه، تهران
- ۴۰- عبدالله یف، فتح‌الله (۱۳۵۶). گوشه‌ای از مناسبات روسیه و ایران و سیاست انگلستان در ایران؛ ترجمه غلامحسین متین، تهران: چاپ آفتاب.

- ۴۱- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۳). مسئله غرامات ایران و روسیه، بررسی های تاریخی، شماره ۳۵۴.
- ۴۲- قاضی ها، فاطمه (۱۳۷۹). نگاهی بر پیامد جنگ های ایران و روس، گنجینه اسناد، شماره ۳۹ و ۴۰.
- ۴۳- کمالی، فرزاد (۱۳۸۶). جنگ های ایران و روس از نگاهی دیگر، مجله ایران شمالی، ش ۸ و ۹.
- ۴۴- الگار، حامد (۱۳۵۶). دین و دولت در ایران؛ ترجمه ابوالقاسم سرّی، تهران: توس.
- ۴۵- لدین، مایکل و ویلیام لوئیس (۱۳۶۲). هزیمت یا شکست رسوایی آمریکا؛ ترجمه احمد سمیعی، نشر ناشر.
- ۴۶- محمدی، علیرضا (۱۳۸۵). چه عواملی باعث شد که امام (ره) قطعنامه ۵۹۸ را قبول کند؟ پرسمان، شماره ۴۶.
- ۴۷- میرسنجری، میرمهرداد (۱۳۸۹). تجزیه ی گام به گام سرزمین های ایران در دوران قاجاریه و پهلوی، تهران: تابناک.
- ۴۸- نفیسی، سعید (۱۳۷۶). تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران در دوره معاصر، جلد ۲، تهران: بنیاد.
- ۴۹- هدایت، رضا قلی خان (۱۳۸۰). روضه الصفاى ناصری، زندیه و قاجاریه جلد نهم، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: اساطیر.
- ۵۰- هدایتی، ابوالفضل (۱۳۸۳). رهبری امام (ره) در دوران دفاع مقدس، حضور، شماره ۵۰.
- ۵۱- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۶۴). تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوره صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- ۵۲- وثوق، عباس (۱۳۵۸). عبرت نامه روشندان، تهران: بی جا.
- ۵۳- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۸). ایران و قفقاز، تهران: نشر قطره.
- ۵۴- وزارت امور خارجه ایران (۱۳۶۱). تحلیلی بر جنگ تحمیلی عراق بر ایران، تهران: وزارت امور خارجه.
- ۵۵- وقایع نگار، میرزا محمدصادق (۱۳۶۹). آهنگک سروش، تهران: مصحح.